

ایران توشه

- رانلور نمونه سوالات امتحانی

- رانلور گام به گام

- رانلور آزمون گام به گام و قلم چی و سنجش

- رانلور فیلم و مقاله انگلیزی

- رانلور و مشاوره



IranTooshe.ir



@irantooshe



IranTooshe



أَلْفِهْرِسُ

ردیف	نام درس	موضوع	صفحه
۱	الدَّرْسُ الْأَوَّلُ	من آيَاتِ الْأَخْلَاقِ	۲
		الْمُعْجَمُ	۴
		حَوْلَ النَّصِّ	۴
		إِسْمُ التَّفْضِيلِ ۱	۵
		إِسْمُ التَّفْضِيلِ ۲	۷
		إِسْمُ الْمَكَانِ	۹
		يَك	۷
		دُو	۸
		سِه	۹
		إِخْتَبَرِ نَفْسَكَ	
		حَوَارِ	۱۰
		التَّمْرِينُ الْأَوَّلُ	۱۱
		التَّمْرِينُ الثَّانِي	۱۱
		التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ	۱۲
		التَّمْرِينُ الرَّابِعُ	۱۳
		التَّمْرِينُ الْخَامِسُ	۱۳
		التَّمْرِينُ السَّادِسُ	۱۴
		التَّمْرِينُ السَّابِعُ	۱۵
		التَّمْرِينُ الثَّامِنُ	۱۵
		أَلْبَحْثُ الْعِلْمِي	۱۶
۲	الدَّرْسُ الثَّانِي	فِي مَحْضَرِ الْمُعَلِّمِ	۱۸
		الْمُعْجَمُ	۲۰
		حَوْلَ النَّصِّ	۲۰
		إِعْلَمُوا	۲۱
		إِخْتَبَرِ نَفْسَكَ	۲۳
		التَّمْرِينُ الْأَوَّلُ	۲۴
		التَّمْرِينُ الثَّانِي	۲۴
		التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ	۲۵
		التَّمْرِينُ الرَّابِعُ	۲۶
		التَّمْرِينُ الْخَامِسُ	۲۶

۲۷	التَّامِرِينَ السَّادِسُ		
۲۷	التَّامِرِينَ السَّابِعُ		
۲۸	أَلْبَحَثُ الْعِلْمِي		
۳۰	عَجَائِبُ الْأَشْجَارِ		
۳۲	الْمُعْجَمُ		
۳۲	حَوْلَ النَّصِّ		
۳۳	إِعْلَمُوا		
۳۴	اخْتَبِرْ نَفْسَكَ		
۳۵	حوار		
۳۶	التَّامِرِينَ الْأَوَّلُ		
۳۶	التَّامِرِينَ الثَّانِي		
۳۷	التَّامِرِينَ الثَّالِثُ		
۳۸	التَّامِرِينَ الرَّابِعُ		
۴۰	التَّامِرِينَ الْخَامِسُ		
۴۱	التَّامِرِينَ السَّادِسُ		
۴۱	التَّامِرِينَ السَّابِعُ		
		الدَّرْسُ الثَّالِثُ	۳

التمارين

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

ایران نوننه
 عربی، زبان قرآن (۳)
 نوشتن برای موفقیت

کلیه رشته های فنی و حرفه ای و کاردانش
 پایه دوازدهم دوره دوم متوسطه

جزوه راهنمای درسی عربی زبان قرآن (۳)
 پایه دوازدهم فنی و حرفه ای و کاردانش
 دروس ۱-۳ کامل
 محمد باقر بهروزی
 ویرایش دوم : مهر ماه ۱۳۹۸

" متن و ترجمه " درس ۱ عربی زبان قرآن (۳) فنی و حرفه ای و کاردانش

پرو به پایان

﴿... يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ ...﴾ أَلْحَجَّاتِ : ۱۲

ای کسانی که ایمان آورده اید ، از بسیاری از گمان ها بپرهیزید.

بازگشت به فهرست

الدَّرْسُ الْأَوَّلُ : درس اول ص ۲

من آیاتِ الأخلاقِ : از آیات اخلاق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ : به نام خداوند بخشنده ی مهربان

﴿... يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا

ای کسانی که ایمان آوردید

لَا يَسْخَرَنَّ قَوْمٌ مِّنْ قَوْمٍ

نباید مردمانی مردم دیگر را ریشخند کند (گروهی ، گروه دیگر را مسخره کند)

عَسَىٰ أَن يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ

شاید آنها از خودشان بهتر باشند

وَلَا نِسَاءٌ مِّنْ نِّسَاءِ عَسَىٰ أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ

و نباید زنانی زنان (دیگر) را (ریشخند کنند) ، شاید آنها از خودشان بهتر باشند

وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ

و از یکدیگر عیب جویی نکنید

وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ

و به همدیگر لقب های زشت ندهید

بِئْسَ الْأَسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ

نام زشت پس از ایمان ، زشت (بد) است

وَمَنْ لَّمْ يَتُبْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ

و هر کس توبه نکرد آنان خودشان ستمکارند

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ

ای کسانی که ایمان آورده اید ، از بسیاری از گمان ها بپرهیزید ، که برخی گمان ها گناه است

وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا

و جاسوسی (تجسس) نکنید و بعضی از شما غیبت (بدگویی) برخی دیگر را نکنند

أَيُّحِبُّ أَحَدَكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ

آیا کسی از شما دوست می دارد که گوشت برادر مرده اش را بخورد ؟ این کار را ناپسند می دارید (پس از آن کراهت دارید)

و اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَحِيمٌ ﴿١١﴾ الْحَجَرَات : ۱۱ و ۱۲

و از خدا پروا کنید (بترسید) ؛ که خداوند بسیار توبه پذیر و مهربان است.

قَدْ يَكُونُ بَيْنَ النَّاسِ مَنْ هُوَ أَحْسَنُ مِنَّا ،

گاهی میان مردم کسی است که از ما بهتر است

فَعَلَيْنَا أَنْ نَبْتَغِدَ عَنِ الْعَجَبِ وَ أَنْ لَا نَذْكُرَ عُيُوبَ الْآخَرِينَ بِكَلَامٍ خَفِيٍّ أَوْ بِإِشَارَةٍ.

پس باید از خودپسندی دوری کنیم و عیب های دیگران را با سخنی پوشیده یا به اشاره ذکر نکنیم !

فَقَدْ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ (ع) :

امیر مؤمنان علی (ع) فرموده اند :

«كَبُرَ الْعَيْبُ أَنْ تَعْيِبَ مَا فِيكَ مِثْلَهُ.»

بزرگترین عیب آن است که عیبی بجویی آنچه که مانند آن در خودت باشد.

تَنْصَحُنَا الْآيَةُ الْأُولَى وَ تَقُولُ :

آیه اول ما را نصیحت می کند و می گوید :

لَا تَعْيِبُوا الْآخَرِينَ.

از دیگران عیب جویی نکنید.

وَ لَا تُلْقِبُوهُمْ بِالْقَابِ يَكْرَهُوْنَهَا.

و به آن ها لقب هایی که آنرا ناپسند می دارند ندهید.

بِئْسَ الْعَمَلُ الْفُسُوقُ!

توشه ای برای موفقیت

آلودگی به گناه ، بد است !

وَ مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَهُوَ مِنَ الظَّالِمِينَ.

و هر کس آن را انجام دهد پس او از ستمکاران است.

إِذَنْ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ تَعَالَى فِي هَاتَيْنِ الْآيَتَيْنِ :

بنابراین ، خدای بلند مرتبه در این دو آیه حرام کرده است :

❖ الْأَسْتِهْزَاءُ بِالْآخَرِينَ ، وَ تَسْمِيَتُهُمْ بِالْأَسْمَاءِ الْقَبِيحَةِ.

ریشخند کردن دیگران ، و نامیدن آنها با اسم های زشت .

❖ سَوْءَ الظَّنِّ ، وَ هُوَ اتِّهَامُ شَخْصٍ لِشَخْصٍ آخَرَ بِدُونِ دَلِيلٍ مَنْطِقِيٍّ .

بدگمانی ، و آن عبارت است از ، اتهام زدن کسی به کسی دیگر بدون دلیل منطقی .

﴿التَّجَسُّسَ ، وَ هُوَ مُحَاوَلَةُ قُبْحَةٍ لِكَشْفِ أَسْرَارِ النَّاسِ لِفَضْلِهِمْ .

جاسوسی ، و آن عبارت است از ، تلاشی زشت برای آشکار کردن (کشف) رازهای مردم برای اینکه آن‌ها را رسوا کند .

وَ هُوَ مِنْ كِبَائِرِ الذَّنُوبِ فِي مَكْتَبِنَا وَ مِنَ الْأَخْلَاقِ السَّيِّئَةِ .

و آن از گناهان بزرگ در آیین (مکتب) ما و از اخلاق بد است.

﴿ وَ الْغِيْبَةِ ، وَ هِيَ مِنْ أَهَمِّ أَسْبَابِ قَطْعِ التَّوَاصُلِ بَيْنَ النَّاسِ .

و غیبت ، و آن از مهم‌ترین دلیل های قطع ارتباط میان مردم است.

سَمِيَ بَعْضُ الْمُفَسِّرِينَ سُورَةَ الْحُجُرَاتِ الَّتِي جَاءَتْ فِيهَا هَاتَانِ الْآيَتَانِ بِسُورَةِ الْأَخْلَاقِ .

برخی مفسران ، سوره حُجُرَات را که این دو آیه ، در آن آمده است را سوره اخلاق نامیده اند.



بازگشت به فهرست

" الْمُعْجَم " ص ۴



فُسُوق : آلوده شدن به گناه	تَسْمِيَةٌ : نام دادن ، نامیدن (ماضی : سَمَى / مضارع : يَسْمِي)	اتَّقَى : پروا کرد (مضارع : يَتَّقِي) اتَّقُوا اللَّهَ : از خدا پروا کنید
فَضَح : رسوا کردن	تَنَابَزَ بِالْأَلْقَاب : به یکدیگر لقب‌های زشت دادن (تَنَابَزَ ، يَتَنَابَزُ)	إِثْم : گناه = ذَنْب
قَدْ : گاهی ، شاید (بر سر مضارع) « قَدْ يَكُونُ » : گاهی می باشد / بر سر فعل ماضی برای نزدیک شدن به زمان فعل به حال و معادل ماضی نقلی است.	تَوَاب : بسیار توبه پذیر، بسیار توبه کننده	استهزاء : ریشخند کردن (اسْتَهْزَأَ ، يَسْتَهْزِئُ)
كِبَائِر : گناهان بزرگ « مفرد : كَبِيرَة »	تَوَاصَلَ : ارتباط (تَوَاصَلَ ، يَتَوَاصَلُ)	اغْتَابَ : غیبت کرد (مضارع : يَغْتَابُ) لَا يَغْتَابُ : نباید غیبت کند
كِرَه : ناپسند داشت (مضارع : يَكْرَهُ)	حَرَم : حرام کرد (مضارع : يَحْرِمُ)	أَنْ يَكُنْ : که باشند (كَانَ ، يَكُونُ)
لَحْم : گوشت « جمع : لُحُوم »	خَفِيَ : پنهان ≠ ظاهر	أَنْ يَكُونُوا : که باشند (كَانَ ، يَكُونُ)
لَقَب : لقب داد (مضارع : يَلْقُبُ)	سَخِرَ مِنْ : مسخره کرد (مضارع : يَسْخَرُ ، مصدر : سَخَرِيَّة) لَا يَسْخَرُ : نباید مسخره کند	بَعْض ... بَعْض : یکدیگر
لَمَزَ : عیب گرفت (مضارع : يَلْمِزُ)	عَابَ : عیب جوئی کرد، عیب‌دار کرد (مضارع : يَعِيبُ)	بُئْسَ : بد است
مَيِّت : مرده « جمع : أَمْوَات ، مَوْتَى » ≠ حَي	عَجِبَ : خودپسندی	تَابَ : توبه کرد (مضارع : يَتُوبُ) لَمْ يَتُبْ : توبه نکرد
	عَسَى : شاید = رَجَا	تَجَسَّسَ : جاسوسی کرد (مضارع : يَتَجَسَّسُ)



" حول النص " ص ۴ بازگشت به فهرست



عَيْنِ الصَّحِيحِ وَ الْخَطَا حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ .

۱. سَمَى بَعْضُ الْمُفَسِّرِينَ سُورَةَ الْحُجَرَاتِ بِعُرُوسِ الْقُرْآنِ. [X غلط]

ترجمه : برخی مفسران سوره حجرات را عروس قرآن نامیدند .

۲. حَرَّمَ اللَّهُ فِي هَاتَيْنِ الْآيَتَيْنِ الْإِسْتِهْزَاءَ وَ الْغِيْبَةَ فَقَطْ. [X غلط]

ترجمه : خداوند در این دو آیه فقط ریشخند کردن و غیبت کردن را حرام کرد.

۳. الْغِيْبَةُ هِيَ أَنْ تَذْكُرَ أَخَاكَ وَ أُخْتَكَ مِمَّا يَكْرَهُانِ. [✓ صحیح]

ترجمه : غیبت آن است که تو برادر و خواهرت را به آنچه ناپسند می‌شمارند ، یاد کنی.

۴. إِنَّ اللَّهَ يَنْهَى النَّاسَ عَنِ السُّخْرِيَّةِ مِنَ الْآخِرِينَ. [✓ صحیح]

ترجمه : قطعاً خداوند مردم را از ریشخند گرفتن دیگران باز می‌دارد.

۵. أَلَسَّعِي لِمَعْرِفَةِ أَسْرَارِ الْآخِرِينَ أَمْرٌ جَمِيلٌ. [X غلط]

ترجمه : تلاش برای شناخت اسرار دیگران ، کاری زیباست.



" إَعْلَمُوا ۱ " ص ۵ اسْمُ التَّفْضِيلِ ۱



اسْمُ التَّفْضِيلِ وَ اسْمُ الْمَكَانِ بازگشت به فهرست

✱ اسم تفضیل مفهوم برتری دارد و بر وزن «أَفْعَل» است .

اسم تفضیل معادل « صفت برتر » و « صفت برترین » در زبان فارسی است ؛ مثال :

کبیر : بزرگ اکبر : بزرگتر ، بزرگترین حسن : خوب احسن : خوبتر ، خوبترین

آسیا اکبر من أوروبا : آسیا بزرگ تر از اروپا است.

آسیا اکبر قارات العالم : آسیا بزرگ ترین قاره‌های جهان است.

آسیا اکبر قارة في العالم : آسیا بزرگ ترین قاره در جهان است.

جبل دماوند أعلى من جبل دنا : کوه دماوند بلندتر از کوه دناست.

جبل دماوند أعلى جبال إيران : کوه دماوند بلندترین کوه های ایران است.

جَبَلٌ دَمَاوَنْدَ اَعْلَى جَبَلٍ فِي اِيران : کوه دماوند بلندترین کوه در ایران است.

أَفْضَلُ النَّاسِ أَنْفَعُهُمْ لِلنَّاسِ : بهترین مردم سودمندترینشان برای مردم است.

❁ گاهی وزن اسم تفضیل به این شکل ها می آید :

أَعْلَى : بلندتر ، بلندترین أَعْلَى : گران تر ، گران ترین

أَحَبُّ : محبوب تر ، محبوب ترین أَقَلُّ : کمتر ، کمترین

❁ مؤنث اسم تفضیل بر وزن «فَعْلَى» می آید؛ مثال :

فَاطِمَةُ الْكُبْرَى : فاطمه بزرگتر زَيْنَبُ الصَّغْرَى : زینب کوچکتر

❁ اسم تفضیل در حالت مقایسه بین دو اسم مؤنث معمولاً بر همان وزن «أَفْعَل» می آید؛

مثال : فاطمة أَكْبَرُ مِنْ زَيْنَب.

❁ غالباً جمع اسم تفضیل بر وزن أَفَاعِل « است ؛ مثال :

إِذَا مَلَكَ الْأَرَادِلُ هَلَكَ الْأَفَاضِلُ. (الْأَرَادِلُ جمع أَرْدَل و الْأَفَاضِلُ جمع أَفْضَل است.)

❁ هرگاه بعد از اسم تفضیل ، حرف جرّ « مِنْ » بیاید (أَعْمَلُ مِنْ ...) ، معنای « برتر » دارد؛

هَذَا أَكْبَرُ مِنْ ذَاكَ : این از آن بزرگتر است.

❁ و هرگاه اسم تفضیل مضاف واقع شود ، معنای "برترین" دارد ؛ مثال :

سُورَةُ الْبَقَرَةِ أَكْبَرُ سُورَةٍ فِي الْقُرْآنِ : سوره بقره بزرگترین سوره در قرآن است.

❁ ❁ ❁ ❁ ❁ ❁

بازگشت به فهرست

" إِخْتَبَرْ نَفْسَكَ ۱ " ص ۷

❁ ❁ ❁ ❁ ❁ ❁

❁ إِخْتَبَرْ نَفْسَكَ : تَرْجِمِ الْأَحَادِيثَ التَّالِيَةَ ، ثُمَّ ضَعْ خَطًّا تَحْتَ اسْمِ التَّفْضِيلِ.

۱. أَعْلَمُ النَّاسِ ، مَنْ جَمَعَ عِلْمَ النَّاسِ إِلَى عِلْمِهِ. رسول الله (ص)

ترجمه : داناترین مردم ، کسی است که دانش مردم را با دانش خود اضافه کند .

پاسخ : اَعْلَمُ : اسم تفضیل (داناترین)

۲. أَحَبَّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ . رسولُ اللَّهِ (ص)

ترجمه : محبوب ترین بندگان خدا نزد خداوند ، سودمندترین آنها به بندگان است.

پاسخ : أَحَبَّ : اسم تفضیل (محبوب ترین) / أَنْفَعُ : اسم تفضیل (سودمندترین)

۳. أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ الْكَسْبُ مِنَ الْحَلَالِ . رسولُ اللَّهِ (ص)

ترجمه : بهترین کارها ، کسب (روزی) حلال است.

پاسخ : أَفْضَلُ : اسم تفضیل (بهترین)



بازگشت به فهرست

" إعلموا ۲ " ص ۷ اسمُ التَّفضيلِ ۲



❖ دو کلمه « خَيْرٌ » و « شَرٌّ » علاوه بر اینکه به معنای « خوبی » و « بدی » هستند ، می توانند به معنای اسم تفضیل نیز بیایند ؛ در این صورت ، معمولاً بعد از آن حرف جرّ « مِنْ » است ، یا به صورت « مضاف » می آید ؛ مثال:

۱- تفكّر ساعةٍ خَيْرٍ مِنْ عِبَادَةِ سَبْعِينَ سَنَةً . رسولُ اللَّهِ (ص)

ساعتی اندیشیدن بهتر از عبادت هفتاد سال است.

۲- شَرَّ النَّاسِ مَنْ لَا يَعْتَقِدُ الْأَمَانَةَ وَ لَا يَجْتَنِبُ الْخِيَانَةَ . أميرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ (ع)

بدترین مردم کسی است که پایبند به امانت نباشد و از خیانت دوری نکند.

۳- خَيْرُ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا : أميرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ (ع)

بهترین کارها میانه ترین آنهاست.

۴- حَيٌّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ . حَيٌّ : بشتاب

به سوی بهترین کار بشتاب.



بازگشت به فهرست

" إختبرِ نَفْسَكَ ۲ " ص ۸



❖ إختبرِ نَفْسَكَ : تَرَجِمِ الْعِبَارَاتِ النَّالِيَةَ.

۱. ﴿... رَبَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَ أَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ﴾ ۱۰۹ : المؤمنون

ترجمه : پروردگارا ایمان آوردیم پس ما را بیامرز و به ما رحم کن که تو بهترین رحم کنندگان هستی.

پاسخ : خَيْر (بهترین) : اسم تفضیل

۲. خَيْرُ إِخْوَانِكُمْ مَنْ أَهْدَىٰ إِلَيْكُمْ عُيُوبَكُمْ. رسول الله (ص) أَهْدَى : هدیه کرد

ترجمه : بهترین دوستانتان کسی است که عیب‌هایتان را به شما هدیه کند.

پاسخ : خَيْر (بهترین) : اسم تفضیل

۳. ﴿لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ﴾ الْقَدَر : ۳

ترجمه : شب قدر بهتر از هزار ماه است.

پاسخ : خَيْر (بهتر) : اسم تفضیل

۴. مَنْ غَلَبَتْ شَهْوَتُهُ عَقْلَهُ فَهُوَ شَرٌّ مِنَ الْبَهَائِمِ. أمير المؤمنين (ع) غَلَبَتْ : چیره شد

ترجمه : هر کس شهوتش بر عقلش غلبه کند پس او از چهارپایان (حیوانات) بدتر است.

پاسخ : شَر (بدتر) : اسم تفضیل

۵. شَرُّ النَّاسِ ذُو الْوَجْهَيْنِ .

ترجمه : بدترین مردم دو رویان هستند .

پاسخ : شَر (بدترین) : اسم تفضیل



" إعلموا ۳ " ص ۹ اسم المكان بازگشت به فهرست



اسم مکان بر مکان دلالت دارد و بیشتر بر وزن مَفْعَل و گاهی بر وزن مَفْعِل و مَفْعَلَة است ؛ مثال :

مَلْعَب : ورزشگاه مَطْعَم : رستوران مَصْنَع : کارخانه مَطْبَخ : آشپزخانه

مَوْقِف : ایستگاه مَنْزِل : خانه مَكْتَبَة : کتابخانه مَطْبَعَة : چاپخانه

جمع اسم مکان بر وزن « مَفَاعِل » است ؛ مانند مدارس ، مَلَاعِب ، مَطَاعِم و مَنَازِل .



" إختبر نفسك ۳ " ص ۹ بازگشت به فهرست



إِخْتَبَرِ نَفْسَكَ : تَرَجِمِ الْآيَتَيْنِ وَ الْعِبَارَةَ ، ثُمَّ عَيِّنِ اسْمَ الْمَكَانِ وَ اسْمَ التَّفْضِيلِ.

۱- ﴿... وَ جَادِلْهُمْ بَالْتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ مِنْ ضَلِّ عَنْ سَبِيلِهِ ...﴾ ۱۲۵ : النحل

أُرِيدُ سَرَاوِيلَ أَفْضَلَ مِنْ هَذِهِ. شلوارهایی بهتر از این را می خواهم.	ذَلِكَ مَتَجَرَّ زَمِيلِي ، لَهُ سَرَاوِيلُ أَفْضَلُ . آن مغازه همکار من است ، شلوارهای بهتری دارد.
في مَتَجَرَّ زَمِيلِهِ ... : در مغازه همکارش ...	
رَجَاءٌ ، أَعْطَنِي سُرُوَالًا مِنْ هَذَا النَّوعِ وَ... لطفاً ، شلواری از جنس و ... به من بده . كَمْ صَارَ الْمَبْلُغُ ؟ مبلغ چقدر شد؟	صَارَ الْمَبْلُغُ مِئَتَيْنِ وَ ثَلَاثِينَ أَلْفَ تَوْمان . مبلغ ۲۳۰ هزار تومان شد . أَعْطَنِي بَعْدَ التَّخْفِيفِ مِئَتَيْنِ وَ عَشْرِينَ أَلْفًا . بعد از تخفیف ، به من ۲۲۰ هزار بده .



سُغَر : قیمت « جمع : أَسْعَار » نَوَعِيَّة : جنس مَتَجَرَّ : مغازه زَمِيل : همکار تَخْفِيف : تخفیف



" تمرین ۱ " ص ۱۱ بازگشت به فهرست



التمرین الأول : أَيِّ كَلِمَةٍ مِنْ كَلِمَاتِ مُعْجَمِ الدَّرْسِ تُنَاسِبُ التَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةَ ؟

۱. جَعَلَهُ حَرَامًا : آن را حرام کرد.

پاسخ : حَرَمَ : حرام کرد

۲. الَّذِي لَيْسَ حَيًّا : کسی که زنده نیست.

پاسخ : مَيِّت : مرده

۳. الذُّنُوبُ الْكُبْرَى : گناهان بزرگ.

پاسخ : كِبَائِر : گناهان بزرگ

۴. الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ : کسی که توبه بندگان را می پذیرد .

پاسخ : تَوَّاب : بسیار توبه پذیر

۵. تَسْمِيَةُ الْآخَرِينَ بِالْأَسْمَاءِ الْفَقِيحَةِ : نامیدن دیگران به اسم های زشت .

پاسخ : تَنَابُزٌ بِالْأَلْقَابِ : به یکدیگر لقب های زشت دادن

۶. ذَكَرَ مَا لَا يَرْضَى بِهِ الْآخَرُونَ فِي غِيَابِهِمْ : آن چه را که دیگران در نبودشان به آن راضی نمی شوند ، بیان کرد.

پاسخ : اِغْتَابَ : غیبت کرد



" تمرین ۲ " ص ۱۱ بازگشت به فهرست



التمرین الثاني : تَرَجِّمْ هَذِهِ الْأَحَادِيثَ النَّبَوِيَّةَ ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ .

۱- حُسْنُ الْخُلُقِ نِصْفُ الدِّينِ . رَسُولُ اللَّهِ (ص) (الْمُبْتَدَأُ وَ الْخَبَرُ)

ترجمه : خوش اخلاقی نیمی از دین است.

پاسخ : حُسْنُ : مبتدا نِصْفُ : خبر

۲- مَنْ سَاءَ خُلُقُهُ عَذَّبَ نَفْسَهُ . رَسُولُ اللَّهِ (ص) (الْفَاعِلُ وَ الْمَفْعُولُ) ساءَ : بد شد عَذَّبَ : عذاب داد

ترجمه : هر کس اخلاقش بد باشد (شود) ، خودش را عذاب می دهد.

پاسخ : خُلُقُ : فاعل نَفْسَ : مفعول

۳- إِمَّا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ . رَسُولُ اللَّهِ (ص) (الْفِعْلُ الْمَاضِي الْمَجْهُولُ وَ الْمَفْعُولُ) لَأَتَمِّمَ : تا کامل کنم

ترجمه : فقط برانگیخته شدم برای این که صفات برتر اخلاقی را کامل کنم.

پاسخ : بُعِثْتُ : فعل ماضی مجهول مَكَارِمَ : مفعول

۴- اَللّٰهُمَّ كَمَا حَسَنْتَ خَلْقِي ، فَحَسِّنْ خُلُقِي . رَسُولُ اللَّهِ (ص) (فِعْلُ الْأَمْرِ وَ الْفِعْلُ الْمَاضِي) حَسَنْتَ : نیکو گردانیدی

ترجمه : خدایا ، همان طور که آفرینشتم را نیکو گردانیدی ، اخلاقم را هم نیکو بگردان.

پاسخ : حَسَنْتَ : فعل ماضی حَسِّنْ : فعل امر

۵- لَيْسَ شَيْءٌ أَثْقَلَ فِي الْمِيزَانِ مِنَ الْخُلُقِ الْحَسَنِ . رَسُولُ اللَّهِ (ص) (إِسْمُ التَّفْضِيلِ وَ الْجَارُ وَ الْمَجْرُورُ)

شرح مفردات : میزان : ترازو (ترازوی اعمال)

ترجمه : در ترازوی اعمال چیزی سنگین تر از خوش اخلاقی نیست.

پاسخ : أَثْقَلَ : اسم تفضیل فی الْمِيزَانِ وَ مِنَ الْخُلُقِ : جار و مجرور

بازگشت به فهرست

"تمرین ۳" ص ۱۲

التمرین الثالث : تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ وَ الْمَصَادِرَ التَّالِيَةَ .

الْمَاضِي	الْمُضَارِعُ وَ الْمُسْتَقْبَلُ	الْأَمْرُ وَ النَّهْيُ	الْمَصْدَرُ
قَدْ أَحْسَنَ : نیکو کرده است	يُحَسِّنُ : نیکو می کند	أَحْسِنْ : نیکو کن	إِحْسَانٌ : نیکو کردن
إِقْتَرَبَ : نزدیک شد	يَقْتَرِبُونَ : نزدیک می شوند	لَا تَقْتَرِبُوا : نزدیک نشوید	إِقْتِرَابٌ : نزدیک شدن
إِنْكَسَرَ : شکسته شد	سَيَنْكَسِرُ : شکسته خواهد شد	لَا تَنْكَسِرْ : شکسته نشو	إِنْكَسَارٌ : شکسته شدن
إِسْتَعْفَرَ : آمرزش خواست	يَسْتَغْفِرُ : آمرزش می خواهد	إِسْتَغْفِرْ : آمرزش بخواه	إِسْتِغْفَارٌ : آمرزش خواستن
مَسَافَرْتُ : سفر نکردم	لَا يَسَافِرُ : سفر نمی کند	لَا تُسَافِرْ : سفر نکن	مَسَافَرَةٌ : سفر کردن
تَعَلَّمَ : یاد گرفت	يَتَعَلَّمَانِ : یاد می گیرند	تَعَلَّمْ : یاد بگیر	تَعَلُّمٌ : یاد گرفتن
تَبَادَلْتُمْ : عوض کردید	تَتَبَادَلُونَ : عوض می کنید	لَا تَتَبَادَلُوا : عوض نکنید	تَبَادُلٌ : عوض کردن
قَدْ عَلَّمَ : آموزش داده است	سَوْفَ يَعْلَمُ : آموزش خواهد داد	عَلِّمْ : آموزش بده	تَعْلِيمٌ : آموزش دادن

" تمرین ۴ " ص ۱۳ بازگشت به فهرست



التمرین الرابع: اُكْتُبِ الْعَمَلِيَّاتِ الْحِسَابِيَّةَ التَّالِيَةَ كَالْمِثَالِ :

۱. عَشْرَةٌ زَائِدُ أَرْبَعَةٍ يُسَاوِي أَرْبَعَةَ عَشَرَ .
 $10 + 4 = 14$
۲. مِئَةٌ تَقْسِيمٌ عَلَى اثْنَيْنِ يُسَاوِي خَمْسِينَ .
 $100 : 2 = 50$
۳. ثَمَانِيَةٌ فِي ثَلَاثَةِ يُسَاوِي أَرْبَعَةً وَعِشْرِينَ .
 $8 \times 3 = 24$
۴. سِتَّةٌ وَسَبْعُونَ نَاقِصٌ أَحَدَ عَشَرَ يُسَاوِي خَمْسَةً وَسِتِّينَ .
 $76 - 11 = 65$



" تمرین ۵ " ص ۱۳ بازگشت به فهرست



التمرین الخامس: عَيْنِ الْمَحَلِّ الْإِعْرَابِيِّ لِلْكَلِمَاتِ الْمُلَوَّنَةِ.

۱. ﴿ فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ ﴾ الفتح : ۲۶

ترجمه: پس خداوند آرامشش را بر پیامبرش و بر مومنان نازل کرد .

پاسخ: الله: فاعل سَكِينَةً: مفعول رسول: مجرور به حرف جر

۲. ﴿ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا ﴾ الْبَقَرَة : ۲۸۶

ترجمه: خداوند کسی را جز به اندازه ی توانش تکلیف نمی دهد.

پاسخ: الله: فاعل نفساً: مفعول

۳. السَّكُوتُ ذَهَبٌ وَ الْكَلَامُ فَضٌّ. رَسُولُ اللَّهِ (ص)

ترجمه: سکوت کردن طلا هست و سخن گفتن نقره است .

پاسخ: السَّكُوتُ: مبتدا ذَهَبٌ: خبر الْكَلَامُ: مبتدا فَضٌّ: خبر

۴. أَحَبَّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ . رَسُولُ اللَّهِ (ص)

ترجمه: محبوب ترین بندگان خدا نزد خداوند ، سودمندترین آنها به بندگانست .

پاسخ: أَحَبُّ: مبتدا عِبَادِ: مضاف الیه الله: مجرور به حرف جر أَنْفَعُ: خبر لِعِبَادِهِ: جار و مجرور.

۵. عَدَاوَةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صَدَاقَةِ الْجَاهِلِ . أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ (ع)

ترجمه: دشمنی دانا، بهتر از دوستی نادان است .

پاسخ: عَدَاوَةُ: مبتدا خَيْرٌ: خبر صَدَاقَةِ: مجرور به حرف جر الْجَاهِلِ: مضاف الیه



" تمرین ۶ " ص ۱۴ بازگشت به فهرست



التمرین السادس: تَرْجِمِ التَّوَكُّيْبَ وَ الْجَمَلَ التَّالِيَةَ ، ثُمَّ عَيِّنِ اسْمَ الْفَاعِلِ ، وَ اسْمَ الْمَفْعُولِ ، وَ اسْمَ الْمُبَالِغَةِ ، وَ اسْمَ الْمَكَانِ ، وَ اسْمَ التَّفْضِيلِ.

۱- ﴿ رَبِّ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ ﴾ الشَّعْرَاءُ : ۲۸

ترجمه : پروردگار مشرق و مغرب (خدای شرق و غرب)

پاسخ : الْمَشْرِقِ : اسم مکان الْمَغْرِبِ : اسم مکان

۲- ﴿ ...إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ ﴾ الْمَائِدَةُ : ۱۰۹

ترجمه : بی گمان فقط تو بسیار دانای غیب ها هستی .

پاسخ : عَلَّامٌ : اسم مبالغه

۳- ﴿ ...مَنْ بَعَثْنَا مِنْ مَرْقَدٍ هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ وَ صَدَقَ الْمُرْسَلُونَ ﴾ یس : ۵۲

ترجمه : چه کسی ما را از خوابگاه مان برانگیخت؟ این است آنچه که خداوند رحمان وعده داده و پیامبران (فرستادگان) راست گفتند. (می گفتند)

پاسخ : مَرْقَدٍ : اسم مکان الْمُرْسَلُونَ : اسم مفعول

۴- يَا مَنْ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ.

ترجمه : ای کسی که نیکوکاران را دوست می دارد.

پاسخ : الْمُحْسِنِينَ : اسم فاعل

۵- يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

ترجمه : ای مهربانترین مهربانان

پاسخ : أَرْحَمَ : اسم تفضیل الرَّاحِمِينَ : اسم فاعل

۶- يَا سَاتِرَ كُلِّ مَعْيُوبٍ.

ترجمه : ای پوشاننده هر معیوبی

پاسخ : سَاتِرَ : اسم فاعل مَعْيُوبٍ : اسم مفعول

۷- يَا عَفَّارَ الذُّنُوبِ .

ترجمه : ای بسیار آمرزنده گناهان

پاسخ : عَفَّارَ : اسم مبالغه



" تمرین ۷ " ص ۱۵ بازگشت به فهرست



﴿ التَّمْرِينُ السَّابِعُ : عَيْنِ الْكَلِمَةِ الْغَرِيبَةِ فِي كُلِّ مَجْمُوعَةٍ .

- ۱- صَبَاح : صَبَح ☐ مَسَاء : غُرُوب ☐ لَيْل : شَب ☐ مَيِّت : مَرَدَه ☒
- ۲- عُجْب : خُودپسندی ☐ لَحْم : گوشت ☒ فُسُوق : آلوده شدن به گناه ☐ إِنْثَم : گناه ☐
- ۳- كِبَائِر : گناهان بزرگ ☒ نِسَاء : زنان ☐ رِجَال : مردان ☐ أَوْلَاد : فرزندان ☐
- ۴- سَخِرَ : مسخره کرد ☐ عَاب : عیبجویی کرد ☐ سَاعَدَ : یاری کرد ☒ لَمَزَ : عیب گرفت ☐
- ۵- أَحْمَر : قرمز ☒ أَحْسَنَ : نیکوتر ☐ أَجْمَلَ : زیباتر ☐ أَصْلَحَ : شایسته تر ☐
- ۶- أَصْفَر : زرد ☐ أَزْرَق : آبی ☐ أَبْيَض : سفید ☐ أَكْثَر : بیشتر ☒



بازگشت به فهرست

" تمرین ۸ " ص ۱۵



﴿ التَّمْرِينُ الثَّامِنُ : ضَعُ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً .

- ۱- اشْتَرَيْنَا وَ قَسَاتَيْنِ بِأَسْعَارٍ رَخِيصَةٍ فِي الْمَتَجَرِّ. سَرَاوِيل : شلوارها ☒ أَشْهُرًا : ماه ها ☐ مَوَاقِفَ : ایستگاه ها ☐
ترجمه : شلوارها و پیراهن هایی با قیمت هایی ارزان در مغازه خریدیم.
- ۲- مَنْ الْمُؤْمِنِينَ فَعَلَيْهِ أَنْ يَعْتَذِرَ إِلَيْهِمْ. إِعْتَابَ : غیبت کرد ☒ اتَّقَى : پروا کرد ☐ مَدَحَ : ستود ☐
ترجمه : هرکس از مومنان غیبت کند پس او باید از آنها عذرخواهی کند.
- ۳- حَاوَلَ الْأَعْدَاءُ أَنْ بَنًا وَ يَسْخَرُوا مِنْهُ. يَسْتَهْزِئُوا : ریشخند کنند ☒ يَسْتَسْلِمُوا : تسلیم شوند ☐ يَسْتَقْبِلُوا : استقبال کنند ☐
ترجمه : دشمنان تلاش کردند که ما را ریشخند و مسخره کنند.
- ۴- أَرَادَ الْمُشْتَرِي السَّعْرَ. نَوْعِيَّةٌ : جنس ☐ مَتَجَرَّ : مغازه ☐ تَخْفِيفُ : تخفیف ☒
ترجمه : مشتری تخفیف قیمت خواست.



بازگشت به فهرست

" الْبَحْثُ الْعِلْمِي " ص ۱۶



﴿ اسْتَخْرِجْ خَمْسَةَ أَسْمَاءَ تَفْضِيلٍ مِنْ دُعَاءِ الْإِفْتِتَاحِ .

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَفْتَتِحُ الثَّنَاءَ بِحَمْدِكَ وَ اَنْتَ مُسَدِّدٌ لِلصَّوَابِ مِنْكَ :

خدایا من ستایش را با حمد تو شروع می کنم و تویی که به نعمت بخشی خود بندگان را به درستی واداری.

وَ اَيَقْنْتُ اَنَّكَ اَنْتَ « اَرْحَمُ » الرَّاحِمِينَ فِي مَوْضِعِ الْعَفْوِ وَ الرَّحْمَةِ :

و یقین دارم که برستی تو در جایگاه گذشت و مهربانی مهربانترین مهربانانی .

وَ « اَشَدُّ » الْمُعَاقِبِينَ فِي مَوْضِعِ النَّكَالِ وَ النَّقْمَةِ :

و سخت ترین کیفرکننده در جایگاه شکنجه و انتقام هستی .

وَ « اَعْظَمُ » الْمُتَجَبِّرِينَ فِي مَوْضِعِ الْكِبْرِيَاءِ وَ الْعِظَمَةِ :

و بزرگترین جبارانی در جایگاه بزرگی و عظمت .

وَ اَعْطَانَا بِهِ فَوْقَ رَغْبَتِنَا ، يَا « خَيْرَ » الْمُسْتَوِلِينَ وَ « اَوْسَعَ » الْمُعْطِينَ :

و به وسیله او بیش از آنچه ما خواهانیم به ما بده ، ای بهترین سوال شوندگان و دست باز ترین عطا کنندگان .



بازگشت به ابتدای درس ۱

پایان درس اول

پرو به پایان

بازگشت به فهرست



" متن و ترجمه " درس ۲ عربی زبان قرآن (۳) فنی و حرفه ای و کاردانش



﴿ اِقْرَأْ وَ رَبُّكَ الْاَكْرَمُ * الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ ﴾ اَلْعَلَقِ : ۳ و ۴

بخوان که پروردگارت گرامی ترین است ، همو که با قلم یاد داد .



بازگشت به فهرست

الدَّرْسُ الثَّانِي : درس دوم ص ۱۸

فِي مَحَضَرِ الْمُعَلِّمِ : در پیشگاه معلم

فِي الْحِصَّةِ الْأُولَى كَانَ الطَّلَابُ يَسْتَمِعُونَ إِلَى كَلَامِ مُدَرِّسِ الْكِيمِيَاءِ ،

در زنگ اول دانش آموزان به سخن معلم شیمی گوش می کردند

وَ كَانَ بَيْنَهُمْ طَالِبٌ مُشَاغِبٌ قَلِيلُ الْأَدَبِ ، يَضَرُّ الطَّلَابَ بِسُلُوكِهِ ،

در میان آن ها دانش آموزی اخلاک گر (شلوغ کننده) و بی ادب بود که با رفتارش به دانش آموزان آسیب می رساند

يَلْتَفِتُ تَارَةً إِلَى الْوَرَاءِ

یک بار رویش را به عقب بر می گرداند

وَ يَتَكَلَّمُ مَعَ الَّذِي خَلْفَهُ

و با کسی که پشت سرش بود ، صحبت می کرد

وَ تَارَةً يَهْمِسُ إِلَى الَّذِي يَجْلِسُ جَنْبَهُ حِينَ يَكْتُبُ الْمُعَلِّمُ عَلَى السَّبَّوْرَةِ ؛

و یک بار وقتی که معلم روی تخته می نوشت ، با کسی که کنارش بود ، پیچ می کرد

وَ فِي الْحِصَّةِ الثَّانِيَةِ كَانَ الطَّالِبُ يَسْأَلُ مُعَلِّمَ عِلْمِ الْأَحْيَاءِ تَعْنَتًا ؛

و در زنگ دوم همین دانش آموز به قصد میج گیری از معلم زیست شناسی سوال می کرد

وَ فِي الْحِصَّةِ الثَّالِثَةِ كَانَ يَتَكَلَّمُ مَعَ زَمِيلٍ مِثْلِهِ وَ يَضْحَكُ ؛

و در زنگ سوم با یک همکلاسی مانند خودش صحبت می کرد و می خندید

فَنَصَحَهُ الْمُعَلِّمُ وَ قَالَ :

پس معلم او را نصیحت کرد و گفت :

مَنْ لَا يَسْتَمِعُ إِلَى الدَّرْسِ جَيِّدًا يَرْسُبُ فِي الْإِمْتِحَانِ .

هر کس به درس خوب گوش فرا ندهد در امتحان مردود می شود.

وَ لَكِنَّ الطَّالِبَ اسْتَمَرَ عَلَى سُلُوكِهِ .

ولی آن دانش آموز به رفتارش ادامه داد.

فَكَرَّ مِهْرَانُ حَوْلَ هَذِهِ الْمَشْكَلَةِ ، فَذَهَبَ إِلَى مُعَلِّمِ الْأَدَبِ الْفَارِسِيِّ

مهران درباره این مشکل فکر کرد ، و نزد معلم ادبیات فارسی رفت

وَ شَرَحَ لَهُ الْقَضِيَّةَ وَ قَالَ :

و موضوع را برایش شرح داد و گفت :

أَحِبُّ أَنْ أَكْتُبَ إِنِشَاءً تَحْتَ عُنْوَانٍ « فِي مُحَضَّرِ الْمُعَلِّمِ » ؛

دوست دارم انشایی تحت عنوان « در محضر معلم » بنویسم

فَوَافَقَ الْمُعَلِّمُ عَلَى طَلْبِهِ ، وَ قَالَ لَهُ :

پس معلم با درخواستش موافقت کرد ، و به او گفت :

إِنْ تُطَالِعَ كِتَابَ « مَنِةِ الْمُرِيدِ » لِزَيْنِ الدِّينِ الْعَامِلِيِّ « الشَّهِيدِ الثَّانِي » يُسَاعِدُكَ عَلَى كِتَابَةِ إِنِشَائِكَ ؛

اگر کتاب « منیه المرید » زین الدین عاملی « شهید ثانی » را مطالعه کنی تو را در نوشتن انشایت کمک می کند

ثُمَّ كَتَبَ مِهْرَانُ إِنِشَاءَهُ وَ أَعْطَاهُ لِمُعَلِّمِهِ .

سپس مهران انشایش را نوشت و آن را به معلمش داد.

فَقَالَ الْمُعَلِّمُ لَهُ :

پس معلم به او گفت :

إِنْ تَقْرَأْ إِنِشَاءَكَ أَمَامَ الطَّالِبِ فَسَوْفَ يَتَنَبَّهَ زَمِيلُكَ الْمُشَاغِبُ .

اگر انشایت را مقابل دانش آموزان بخوانی همشاگردی اخلاگرت آگاه خواهد شد.

وَ هَذَا قِسْمٌ مِنْ نَصِّ إِنْشَائِهِ :

و این ، بخشی از متن انشای اوست :

... أَلَفَ عَدَدٌ مِنَ الْعُلَمَاءِ كُتُبًا فِي مَجَالَاتِ التَّرْبِيَةِ وَ التَّعْلِيمِ ،

تعدادی از دانشمندان در زمینه های آموزش و پرورش کتاب هایی نوشته اند

يَرْتَبِطُ بَعْضُهَا بِالْمُعَلِّمِ ، وَ الْآخَرَى بِالْمُتَعَلِّمِ ؛

که برخی از آن ها به معلم ربط دارد و برخی دیگر به یادگیرنده .

وَ لِلطَّالِبِ فِي مَحْضَرِ الْمُعَلِّمِ آدَابٌ ، مَنْ يَلْتَزِمُ بِهَا يَنْجَحْ ؛ أَهْمَمَّا :

دانش آموز در محضر معلم آدابی دارد ، هر کس به آن پایبند باشد موفق می شود ؛ مهم ترین آن ها عبارت است از :

۱. أَنْ لَا يَعْصِيَ أَوْامِرَ الْمُعَلِّمِ .

اینکه از دستورهای معلم سرپیچی نکند.

۲. الْاجْتِنَابُ عَنْ كَلَامٍ فِيهِ إِسَاءَةٌ لِلْآدَابِ .

دوری کردن از سخنی که در آن بی ادبی هست.

۳. أَنْ لَا يَهْرُبَ مِنْ أَدَاءِ الْوَاجِبَاتِ الْمَدْرَسِيَّةِ .

اینکه از انجام تکالیف مدرسه فرار نکند.

۴. عَدَمُ النَّوْمِ فِي الصَّفِّ ، عِنْدَمَا يُدْرَسُ الْمُعَلِّمُ .

نخوابیدن در کلاس ، وقتی که معلم درس می دهد .

۵. أَنْ لَا يَتَكَلَّمَ مَعَ غَيْرِهِ مِنَ الطَّالِبِ عِنْدَمَا يُدْرَسُ الْمُعَلِّمُ .

اینکه وقتی معلم درس می دهد ، با دانش آموزان دیگر صحبت نکند.

۶. أَنْ لَا يَقْطَعَ كَلَامَهُ ، وَ لَا يَسْبِقُهُ بِالْكَلَامِ ، وَ يَصْبِرُ حَتَّى يَفْرُغَ مِنَ الْكَلَامِ .

اینکه سخن او را قطع نکند ، و در سخن ، از او پیشی نگیرد و صبر کند تا سخن او تمام شود.

۷. الْجُلُوسُ أَمَامَهُ بِآدَابٍ ، وَ الْأَسْتِمَاعُ إِلَيْهِ بِدِقَّةٍ وَ عَدَمِ الْإِلْتِفَاتِ إِلَى الْوَرَاءِ إِلَّا لِمُضْرُورَةٍ .

نشستن مقابل او با ادب و گوش فرا دادن به او به دقت و برنگشتن به عقب جز به ضرورت .

لَمَّا سَمِعَ الطَّالِبُ الْمُشَاغِبَ إِنْشَاءَ مِهْرَانٍ ، حَجَلَ وَ نَدِمَ عَلَى سُلُوكِهِ فِي الصَّفِّ .

وقتی که آن دانش آموز اخلاک گر انشای مهران را شنید ، شرمند شد و از رفتارش در کلاس پشیمان شد.

قَالَ الشَّاعِرُ الْمِصْرِيُّ أَحْمَدُ شَوْقِي عَنِ الْمُعَلِّمِ :

شاعر مصری احمد شوقی درباره معلم گفته است :

قُمْ لِلْمُعَلِّمِ وَقْفَهُ التَّبَجِيلَا كَادَ الْمُعَلِّمُ أَنْ يَكُونَ رَسُولَا

برای معلم برخیز و احترامش را کامل به جا بیاور . نزدیک است که معلم پیامبر شود .

أَعْلَمْتُ أَشْرَفَ أَوْ أَجَلَّ مِنَ الَّذِي يَنْبِي وَيُنْشِئُ أَنْفُسًا وَ عَقُولًا

آیا شناخته ای شریف تر و بزرگوارتر از کسی (معلمی) که جان ها و خردها را می سازد و پدید می آورد؟

" الْمُعْجَم " ص ۲۰ بازگشت به فهرست

أَجَلَّ : گران قدرتر	تَعَنَّتْ : مچ گیری	فَكَرَّ : اندیشید (مضارع : يُفَكِّرُ)
ارْتَبَطَ : ارتباط داشت (مضارع : يَرْتَبِطُ)	تَنَبَّهَ : آگاه شد (مضارع : يَتَنَبَّهُ) =	قُمَّ : برخیز (قامَ ، يَقُومُ)
اسْتَمَعَ : گوش فرا داد (مضارع : يَسْتَمِعُ)	حَصَّةٌ : زنگ درسی ، قسمت	كَادَ : نزدیک بود که (مضارع : يَكَادُ)
الْتَزَمَ : پایبند شد (مضارع : يَلْتَزِمُ)	خَجِلَ : شرمند شد (مضارع : يَخْجِلُ)	مَجَالَ : زمینه
الْتِفَاتٍ : روی برگرداندن	سَبَقَ : پیشی گرفت (مضارع : يَسْبِقُ)	مُشَاغِبٍ : شلوغ کننده و اخلا لگر
الْتَفَتَ : روی برگرداند (مضارع : يَلْتَفِتُ)	سَبْرَةٌ : تخته سیاه	وَأَفَقَ : موافقت کرد (مضارع : يُوَافِقُ)
أَلْفَ : نگاشت (مضارع : يُؤَلِّفُ)	سَلُوكٍ : رفتار	وَقَّى : کامل کرد (مضارع : يُوقِي)
أَنْشَأَ : ساخت (مضارع : يَنْشِئُ)	ضَرَّ : زیان رساند (مضارع : يَضُرُّ)	« وَفَّهِ التَّبْجِيلُ : احترامش را کامل به جا بیاور »
تَارَةً : یک بار = مَرَّةً	عَصَى : سرپیچی کرد	هَمَسَ : آهسته سخن گفت (مضارع : يَهْمَسُ)
تَبْجِيلٍ : بزرگداشت	عِلْمُ الْأَحْيَاءِ : زیست شناسی	

" حول النص " ص ۲۰ بازگشت به فهرست

اَلْأَكْتُبُ جَوَاباً قَصِيراً ، حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

۱ . إلی مَنْ ذَهَبَ مِهْرَانُ؟

پاسخ : ذَهَبَ مِهْرَانُ إلی مُعَلِّمِ الْأَدَبِ الْفَارِسِيِّ.

۲ . كَيْفَ يَجِبُ الْجُلُوسُ أَمَامَ الْمُعَلِّمِ؟

پاسخ : يَجِبُ الْجُلُوسُ أَمَامَ الْمُعَلِّمِ بِأَدَبٍ.

۳ . كَيْفَ كَانَتْ أَخْلَاقُ الطَّالِبِ الَّذِي كَانَ يَلْتَفِتُ إلی الْوَرَاءِ؟

پاسخ : كَانَتْ أَخْلَاقُهُ مُشَاغِباً قَلِيلَ الْأَدَبِ.

۴. مَا اسْمُ الْكِتَابِ الَّذِي قَرَأَهُ مِهْرَانُ فِي مَجَالِ التَّرْبِيَةِ وَ التَّعْلِيمِ ؟

پاسخ : اسْمُهُ «مَنْيَةُ الْمُرِيدِ».

۵. فِي أَيِّ حِصَّةٍ كَانَ الطَّلَابُ يَسْتَمِعُونَ إِلَى أَسْتَاذِ الْكِيمِيَاءِ ؟

پاسخ : فِي الْحِصَّةِ الْأُولَى كَانَ الطَّلَابُ يَسْتَمِعُونَ إِلَى أَسْتَاذِ الْكِيمِيَاءِ.

" إَعْلَمُوا " ص ۲۱

بازگشت به فهرست

أَسْلُوبُ الشَّرْطِ وَ أَدَوَاتُهُ

❁ مهم ترین ادوات شرط عبارت اند از : « مَنْ ، مَا ، إِنْ » معمولاً این ادوات بر سر عبارتی می آیند که دو فعل دارد، فعل اول ، فعل شرط و فعل دوم ، جواب شرط نام دارد.

این ادوات در معنای فعل و جواب شرط و گاهی در شکل ظاهر آنها تغییراتی را ایجاد می کند؛ مثال:

مَنْ يُفَكِّرْ قَبْلَ الْكَلَامِ يَسْلَمْ مِنَ الْخَطَا غَالِباً : هر کس پیش از سخن گفتن بیندیشد ، غالباً از اشتباه در امان می ماند.

ادوات شرط فعل شرط جواب شرط

❁ گاهی نیز جواب شرط به صورت جمله اسمیه است ؛ مثال :

﴿ وَ مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ ﴾ : هر کس به خداوند توکل کند پس همان او را بس است.

ادوات شرط فعل شرط جواب شرط

شرح مفردات : يَتَوَكَّلْ : توکل کند حَسْبُ : بس ، کافی

❁ وقتی ادوات شرط بر سر جمله ای بیاید که فعل شرط و جواب آن فعل ماضی باشد، می توانیم فعل شرط را مضارع التزامی و جواب آن را مضارع اخباری ترجمه کنیم.

مَنْ فَكَّرَ قَبْلَ الْكَلَامِ ، قَلَّ خَطُؤُهُ .

هرکس پیش از سخن گفتن بیندیشد ، خطایش کم می شود.

هرکس پیش از سخن گفتن اندیشید ، خطایش کم شد.

❁ و هرگاه فعل شرط مضارع باشد، به صورت مضارع التزامی ترجمه می شود.

❁ « مَنْ : هرکس » مثال :

مَنْ يُحَاوِلْ كَثِيراً ، يَصِلْ إِلَى هَدَفِهِ .

هرکس بسیار تلاش کند، به هدفش می رسد.

❁ « مَا : هرچه » مثال :

مَا تَزَرَعُ فِي الدُّنْيَا ، تَحْصُدُ فِي الْآخِرَةِ .

هرچه در دنیا بکاری ، در آخرت درو می کنی.

ما فَعَلْتُ مِنَ الْخَيْرَاتِ ، وَجَدْتُهَا ذَخِيرَةً لِآخِرَتِكَ.

هرچه از کارهای نیک انجام بدهی ، آنها را اندوخته ای برای آخرت می یابی.

❀ « إِنْ : اگر » مثال :

إِنْ تَزْرَعْ خَيْرًا ، تَحْصُدْ سُورًا .

اگر نیکی بکاری ، شادی درو می کنی.

إِنْ صَبَرْتَ ، حَصَلَتْ عَلَى النَّجَاحِ فِي حَيَاتِكَ .

اگر صبر کنی ، در زندگی ات موفقیت به دست می آوری.

❀ « إِذَا : هرگاه ، اگر » ؛ نیز معنای شرط دارد ؛ مثال :

إِذَا اجْتَهَدْتَ ، نَجَحْتَ .

هرگاه (اگر) تلاش کنی ، موفق می شوی.

" إِخْتَبَرِ نَفْسَكَ " ص ۲۳

بازگشت به فهرست

❀ إِخْتَبَرِ نَفْسَكَ : تَرْجِمِ الْآيَاتِ ثُمَّ عَيِّنْ أَدَاءَ الشَّرْطِ وَفِعْلَ الشَّرْطِ ، وَ جَوَابَهُ.

۱. ﴿ وَ مَا تُقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ ﴾ الْبَقَرَةُ : ۱۱۰ ما تُقَدِّمُوا : هر چه از پیش بفرستید

ترجمه : هر آنچه از خوبی برای خودتان پیش بفرستید ، آن را نزد خداوند می یابید.

پاسخ : أَدَاءَ الشَّرْطِ : مَا فِعْلَ الشَّرْطِ : تُقَدِّمُوا جَوَابَ الشَّرْطِ : تَجِدُوا

۲. ﴿ إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ ﴾ مُحَمَّد : ۷ يَثْبُتْ : استوار می سازد

ترجمه : اگر خدا را یاری کنید ، شما را یاری می کند و گام ها (قدم ها) یتان را استوار می سازد.

پاسخ : أَدَاءَ الشَّرْطِ : إِنْ فِعْلَ الشَّرْطِ : تَنْصُرُوا جَوَابَ الشَّرْطِ : يَنْصُرْ

۳. ﴿ وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا ﴾ الْفُرْقَان : ۶۳ خَاطَبَ : خطاب کرد / سلام : سخن آرام

ترجمه : و هرگاه نادانان آنها را خطاب کنند ، سخن آرام می گویند.

پاسخ : أَدَاءَ الشَّرْطِ : إِذَا فِعْلَ الشَّرْطِ : خَاطَبَ جَوَابَ الشَّرْطِ : قَالُوا

" قَرِین ۱ " ص ۲۴

بازگشت به فهرست

التمرین الأول : عَيْنُ الْجُمْلَةِ الصَّحِيحَةِ وَ غَيْرَ الصَّحِيحَةِ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ .

۱. اَلتَّعَنُّتُ طَرَحُ سَوَالٍ صَعْبٍ يَهْدَفُ اِيجَادِ مَشَقَّةٍ لِلْمَسْئُولِ. [✓] صحیح

ترجمه : میج گیری ، مطرح کردن سوالی سخت با هدف ایجاد سختی برای کسی که مورد سوال واقع شده است .

۲. عِلْمُ الْأَحْيَاءِ عِلْمٌ مُطَالَعَةِ خَوَاصِّ الْعَنَاصِرِ. [✗] غلط

ترجمه : زیست شناسی ، علم مطالعه خصوصیات عنصراهاست .

۳. اَلْإِلْتِفَاتُ هُوَ كَلَامٌ خَفِيَ بَيْنَ شَخْصَيْنِ. [✗] غلط

ترجمه : روی برگرداندن همان سخن پنهانی بین دو نفر هست.

۴. اَلسَّبُورَةُ لَوْحٌ أَمَامَ الطَّلَابِ يُكْتَبُ عَلَيْهِ. [✓] صحیح

ترجمه : تخته سیاه ، لوحی در مقابل دانش آموزان است که روی آن نوشته می شود.



بازگشت به فهرست

" تمرین ۲ " ص ۲۴



التمرین الثاني : تَرْجِمِ الْآيَاتِ وَالْأَحَادِيثَ ، ثُمَّ عَيْنِ الْمَطْلُوبِ مِنْكَ .

۱. وَ مَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ . (اَلْبَقَرَةُ : ۷۳) (اَلْمَجْرُورَ بِحَرْفِ جَرٍّ)

ترجمه : و هر آنچه از خیر و خوبی انفاق کنید قطعاً خداوند نسبت به آن آگاه است.

پاسخ : (اَلْمَجْرُورَ بِحَرْفِ جَرٍّ : خَيْرٌ ، هـ)

۲. مَنْ عَلَّمَ عِلْمًا ، فَلَهُ أَجْرٌ مِنْ عَمَلٍ بِهِ ، لَا يَنْقُصُ مِنْ أَجْرِ الْعَامِلِ . رَسُولُ اللَّهِ (ص) (اِسْمُ الْفَاعِلِ) أَجْرٌ : پاداش

ترجمه : هر کس علمی به دیگری بیاموزد ، پاداش کسی را دارد که به آن عمل کند ، از پاداش عمل کننده کاسته نمی شود.

پاسخ : (اِسْمُ الْفَاعِلِ : الْعَامِلِ)

۳. اَلنَّاسُ أَعْدَاءُ مَا جَهِلُوا . اَلْإِمَامُ عَلَى (ع) (اَلْجَمْعُ الْمَكْسَرُ وَ مُفْرَدُهُ) جَهْلٌ : ندانست

ترجمه : مردم دشمن آنچه نمی دانند هستند.

پاسخ : (اَلْجَمْعُ الْمَكْسَرُ وَ مُفْرَدُهُ : أَعْدَاءُ مُفْرَدُهُ " عَدُوٌّ ")

۴. إِذَا تَمَّ الْعَقْلُ نَقَصَ الْكَلَامُ . اَلْإِمَامُ عَلَى (ع) (اَلْفَاعِلِ)

ترجمه : هرگاه عقل تمام شود ، سخن کم می شود.

پاسخ : (اَلْفَاعِلِ : الْعَقْلُ وَ الْكَلَامُ) (فَعْلُ الشَّرْطِ : تَمَّ ، جَوَابُ الشَّرْطِ : نَقَصَ)

۵. اَلْعَالِمُ حَيٌّ وَ إِنْ كَانَ مَيِّتًا . اَلْإِمَامُ عَلَى (ع) (اَلْمُبْتَدَأُ : وَ الْخَبَرُ) مَيِّتٌ : مرده

ترجمه : دانشمند هرچند مرده باشد ، زنده است.

پاسخ : (الْمَبْتَدَأُ : الْعَالَمُ وَ الْخَبَرُ : حَى)

۶. قُمْ عَنْ مَجْلِسِكَ لِأَيِّكَ وَ مُعَلِّمِكَ وَ إِنَّ كُنْتَ أَمِيرًا . الْإِمَامُ عَلَى (ع) (اسم المکان و اسم الفاعل)

شرح مفردات : قُمْ : برخیز إِنَّ كُنْتَ أَمِيرًا : اگر چه فرمانده باشی

ترجمه : به خاطر پدر و معلمت از جایت برخیز اگرچه فرمانده باشی.

پاسخ : (اسم المکان : مَجْلِس و اسم الفاعل : مُعَلِّم)



بازگشت به فهرست

" تمرین ۳ " ص ۲۵



التمرین الثالث : تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ وَ الْمَصَادِرَ التَّالِيَةَ .

الماضي	المضارع	الأمر و النهي	المصدر
قَدْ أَنْقَذَ : نجات داه است	يُنْقِذُ : نجات می دهد	أَنْقِذْ : نجات بده	الْإِنْقَازُ : نجات دادن
إِبْتَعَدَ : دور شد	لَا يَبْتَغِدُ : دور نمی شود	لَا تَبْتَغِدْ : دور نشو	الْإِبْتِعَادُ : دور شدن
انْسَحَبَ : عقب نشینی کرد	سَيَنْسَحِبُ : عقب نشینی خواهد کرد	لَا تَنْسَحِبْ : عقب نشینی نکن	الْانْسِحَابُ : عقب نشینی کردن
اسْتَخَذَ : به کار گرفت	يَسْتَخْذُ : به کار می گیرد	اسْتَخْذْ : به کار بگیر	الْإِسْتِخْدَامُ : به کار گرفتن
جَالَسَ : همنشینی کرد	يَجَالِسُ : همنشینی می کند	جَالِس : همنشینی کن	الْمَجَالَسَةُ : همنشینی کردن
تَذَكَّرَ : به یاد آورد	يَتَذَكَّرُ : به یاد می آورد	لَا تَذَكَّرْ : به یاد نیاور	التَّذَكُّرُ : به یاد آوردن
تَعَايَشَ : همزیستی کرد	يَتَعَايَشُ : همزیستی می کند	تَعَايَشْ : همزیستی کن	التَّعَايُشُ : همزیستی کردن
قَدْ حَرَّمَ : حرام کرده است	يُحَرِّمُ : حرام می کند	لَا تُحَرِّمَ : حرام نکن	الْحَرَامُ : حرام کردن



" تمرین ۴ " ص ۲۶



التمرین الرابع : ضَعْ هَذِهِ الْجُمْلَ وَ التَّرَاكِيِبَ فِي مَكَانِهَا الْمُنَاسِبِ. بازگشت به فهرست

هَؤُلَاءِ نَاجِحَاتُ / هَؤُلَاءِ الْمُكَيِّفَاتِ / تِلْكَ الْحِصَّةُ / أُولَئِكَ مُسْتَمِعُونَ / هَؤُلَاءِ جُنُودٌ / هَاتَانِ الْبِطَاقَتَانِ

مفرد مؤنث	مثنی مذکر	مثنی مؤنث	جمع مذکر سالم	جمع مؤنث سالم	جمع مکسر
تِلْكَ الْحِصَّةُ	هَؤُلَاءِ الْمُكَيِّفَاتِ	هَاتَانِ الْبِطَاقَتَانِ	أُولَئِكَ مُسْتَمِعُونَ	هَؤُلَاءِ نَاجِحَاتُ	هَؤُلَاءِ جُنُودٌ



بازگشت به فهرست

" تمرین ۵ " ص ۲۶



التمرین الخامس : ضَعِ الْمُتْرَادِفَاتِ وَ الْمُتَضَادَّاتِ فِي مَكَانِهَا الْمُنَاسِبِ. = #

وَدَّ / بَعَدَ / تَكَلَّمَ / اجْلَسَ / نِهَایةَ / عِدَاوَةَ / احْتِرَامَ / أَحْيَاءَ / مَرَّةً / نَفَعَ / ذَنْبَ / هَرَبَ

إِنَّمَا = ذَنْبٌ : گناه	تَبَجِيلٌ = احترام : بزرگداشت	تَارَةً = مَرَّةٌ : یکبار	حُبٌّ = وَدٌّ : دوستی
قَرَبٌ = هَرَبٌ : فرار کرد	أُمُوتٌ ≠ أَحْيَاءٌ	دَنَا ≠ بَعَدَ	قُمٌ ≠ اجلس
ضَرٌّ ≠ نَفْعٌ	بِدَايَةٌ ≠ نِهَایَةٌ	سَكَّتَ ≠ تَكَلَّمَ	صَدَاقَةٌ ≠ عَدَاوَةٌ

" تمرین ۶ " ص ۲۷ بازگشت به فهرست

التمرین السادس: أَكْمِلْ تَرْجَمَةَ الْآيَاتِ وَالْحَدِيثَيْنِ ، ثُمَّ عَيِّنْ أَدَاءَ الشَّرْطِ وَفِعْلَ الشَّرْطِ ، وَجَوَابَهُ.

۱. ﴿وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمْهُ اللَّهُ﴾ الْبَقَرَةُ : ۱۹۷

ترجمه : و هر آنچه را از کار نیک ، خدا آن را می داند. (از آن آگاه است)

پاسخ : انجام دهید

أَدَاءُ الشَّرْطِ : مَا فِعْلُ الشَّرْطِ : تَفْعَلُوا جَوَابُ الشَّرْطِ : يَعْلَمُ

۲. ﴿إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ أَنْفُسَكُمْ﴾ الْإِسْرَاءُ : ۷

ترجمه : اگر نیکی کنید ، به خودتان نیک

پاسخ : می کنید

أَدَاءُ الشَّرْطِ : إِنْ فِعْلُ الشَّرْطِ : أَحْسَنْتُمْ جَوَابُ الشَّرْطِ : أَحْسَنْتُمْ

۳. ﴿إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا﴾ الْأَنْفَالُ : ۲۹

ترجمه : اگر از خدا پروا کنید ، برایتان نیروی تشخیص حق از باطل

پاسخ : قرار می دهد.

أَدَاءُ الشَّرْطِ : إِنْ فِعْلُ الشَّرْطِ : تَتَّقُوا جَوَابُ الشَّرْطِ : يَجْعَلُ

۴. مَنْ سَأَلَ فِي صِغَرِهِ ، أَجَابَ فِي كِبَرِهِ . رَسُولُ اللَّهِ (ص)

ترجمه : هرکس در خردسالی اش بپرسد ، در بزرگسالی اش

پاسخ : پاسخ می دهد

أَدَاءُ الشَّرْطِ : مَنْ فِعْلُ الشَّرْطِ : سَأَلَ جَوَابُ الشَّرْطِ : أَجَابَ

" تمرین ۷ " ص ۲۷ بازگشت به فهرست

التمرین السابع: صَعِّ فِي الدَّائِرَةِ الْعَدَدَ الْمُنَاسِبَ . «كَلِمَةٌ وَاحِدَةٌ زَائِدَةٌ»

۱- الْمُشَاغِبُ : هُوَ الَّذِي يُسَبِّبُ مَشَاكِلَ وَ يَضُرُّ النَّظْمَ.

اخلاقگر (شلوغ کننده) : همان کسی که مشکلاتی را سبب می شود و به نظم زیان می رساند .

۲- الْحَصَّةُ : کلمه اضافی

زنگ درسی

۳- الْفُسُوقُ : تَرَكَ أَمْرَ اللَّهِ ، وَ ارْتَكَبَ الْمَعَاصِي.

آلوده شدن به گناه : ترک فرمانِ خداوند و ارتکابِ گناهان است .

۴- الْأَجْرُ : مَا يُعْطَى مُقَابِلَ عَمَلٍ عَامِلٍ أَوْ مُوَظَّفٍ.

پاداش (مزد) : آنچه که در برابر کارِ کارگری یا کارمندی داده می شود .

۵- الْأَلْتِفَاتُ : هُوَ تَحْرِيكُ الْوَجْهِ إِلَى الْيَمِينِ وَ إِلَى الْيَسَارِ.

روی برگرداندن : همان حرکت دادن صورت به راست و چپ است .

۶- السَّلُوكُ : أَعْمَالُ الْإِنْسَانِ وَ أَخْلَاقُهُ.

رفتار : کارهای انسان و اخلاقش است .



بازگشت به فهرست

"الْبَحْثُ الْعِلْمِيَّ" ص ۲۸



اَبْحَثْ فِي كِتَابِ « مَنِيَّةِ الْمُرِيدِ » لِزَيْنِ الدِّينِ الْعَامِلِيِّ « الشَّهِيدِ الثَّانِي » عَنْ نَصِّ قَصِيرٍ حَوْلَ آدَابِ التَّعْلِيمِ وَ التَّعَلُّمِ ثُمَّ اكْتُبْهُ.

ترجمه : در کتاب منیه المرید شهید ثانی زین الدین عاملی دنبال متنی کوتاه درباره آداب تعلیم و تربیت بگرد سپس آنرا بنویس.

الْعَالِمُ كَمَنْ مَعَهُ شَمْعَةٌ تُضِيءُ لِلنَّاسِ. الْإِمَامُ مُحَمَّدٌ الْبَاقِرُ (ع)

ترجمه : دانشمند مانند شمعی است که به مردم می تابد .



بازگشت به درس ۲

پایان درس دوم

برو به پایان

بازگشت به فهرست



" متن و ترجمه " درس ۳ عربی زبان قرآن (۳) فنی حرفه ای و کاردانش



إِنَّ اللَّهَ فَالِقُ الْحَبِّ وَالنَّوَى يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَ مُخْرِجُ الْمَيِّتِ مِنَ الْحَيِّ ... ﴿ الْأَنْعَامُ : ۹۵

بی گمان خدا شکافنده ی دانه و هسته است. زنده را از مُرده ، و مُرده را از زنده بیرون می آورد.



الْدَّرْسُ الثَّلَاثُ : درس سوم ص ۳۰ بازگشت به فهرست

عَجَائِبُ الْأَشْجَارِ : شگفتی‌های درختان

ظَوَاهِرُ الطَّبِيعَةِ تُثَبِّتُ حَقِيقَةً وَاحِدَةً وَ هِيَ قُدْرَةُ اللَّهِ ،

پدیده های طبیعی یک حقیقت را ثابت می کند و آن قدرت خداست

وَ الْآنَ نَصِفُ بَعْضَ هَذِهِ الظَّوَاهِرِ :

و اینک برخی از این پدیده ها را توصیف می کنیم

الْعَنْبُ الْبِرَازِيلِي شَجَرَةٌ تَخْتَلِفُ عَنْ بَاقِي أَشْجَارِ الْعَالَمِ ،

انگور برزیلی درختی است که با بقیه درختان جهان فرق دارد

تَنْبَتُ فِي الْبِرَازِيلِ ، وَ تَنْمُو أَثْمَارُهَا عَلَى جَذْعِهَا ،

در برزیل می روید ، و میوه هایش روی تنه آن رشد می کند .

وَ مِنْ أَهَمِّ مُوَاصِفَاتِ هَذِهِ الشَّجَرَةِ أَنَّهَا تُعْطِي أَثْمَاراً طَوَّلَ السَّنَةِ .

و از مهم ترین ویژگی های این درخت ، این است که آن در طول سال میوه هایی می دهد .

شَجَرَةُ السَّكْوِيَا شَجَرَةٌ مِنْ أَطْوَلِ أَشْجَارِ الْعَالَمِ فِي كَالِيفُورْنِيَا ،

درخت سکویا درختی از بلندترین درختان جهان در کالیفرنیا است .

قَدْ يَبْلُغُ ارْتِفَاعُ بَعْضِهَا أَكْثَرَ مِنْ مِئَةِ مِترٍ

گاهی بلندی برخی از آن ها به بیش از صد متر می رسد

وَ قَدْ يَبْلُغُ قَطْرُهَا تِسْعَةَ أَمْتَارٍ ،

و گاهی قطر آن به نه متر می رسد

وَ يَزِيدُ عُمْرُهَا عَلَى ثَلَاثَةِ آلَافٍ وَ خَمْسِ مِئَةِ سَنَةٍ تَقْرِیباً .

و عمرش تقریباً بیشتر از ۳۵۰۰ سال است

الشَّجَرَةُ الْخَانِئَةُ شَجَرَةٌ تَنْمُو فِي بَعْضِ الْغَابَاتِ الْإِسْتَوَائِيَّةِ ،

درخت خفه کننده درختی است که در برخی از جنگل های استوایی می روید .

تَبْدَأُ حَيَاتَهَا بِالْإِلْتِفَافِ حَوْلَ جَذْعِ شَجَرَةٍ وَ عُصُونِهَا ، ثُمَّ تَخْنُقُهَا تَدْرِيجاً .

زندگی اش را با پیچیدن دور تنه درختی و شاخه هایش آغاز می کند ، سپس آن را کم کم خفه می کند .

يُوجَدُ نَوْعٌ مِنْهَا فِي جَزِيرَةِ قِشْمِ الَّتِي تَقَعُ فِي مُحَافَظَةِ هَرْمُزْجَانِ .

نوعی از آن در جزیره قشم که در استان هرمزگان واقع است وجود دارد .

شَجَرَةُ الْخُبْزِ شَجَرَةٌ اسْتَوَائِيَّةٌ تَنْمُو فِي جَزْرِ الْمُحِيطِ الْهَادِي ،

درخت نان درختی استوایی است که در جزیره های استوایی اقیانوس آرام می روید .

تَحْمِلُ أَثْمَارًا فِي نِهَآيَةِ أَغْصَانِهَا كَالْخُبْرِ.

و میوه‌هایی شبیه نان در انتهای شاخه‌هایش حمل می کند .

يَأْكُلُ النَّاسُ لُبَّ هَذِهِ الْأَثْمَارِ.

مردم مغز این میوه‌ها را می‌خورند.

شَجَرَةُ النَّفْطِ شجرهٔ یَسْتَعْدِمُهَا الْمَزَارِعُونَ گسیاح حَوْلَ الْمَزَارِعِ لِحِمَايَةِ مَحَاصِلِهِمْ مِنَ الْحَيَوَانَاتِ ؛ درخت نفت ، درختی است که کشاورزان آن را مانند پرچینی دور مزرعه‌ها برای محافظت از محصولات شان از حیوانات به کار می‌گیرند .

لِأَنَّ رَائِحَةَ هَذِهِ الشَّجَرَةِ كَرِيهَةٌ تَهْرُبُ مِنْهَا الْحَيَوَانَاتُ ،

زیرا بوی این درخت ، ناپسند (بد ؛ ناخوشایند) است که جانوران از آن فرار می‌کنند.

و تَحْتَوِي بُذُورَهَا عَلَى مِقْدَارٍ مِنَ الزَّيْتِ لَا يُسَبِّبُ اشْتِعَالَهَا خُرُوجَ أَيِّ غَازَاتٍ مُلَوِّثَةٍ.

و دانه‌هایش حاوی مقداری روغن است که آتش گرفتن آن ، سبب خروج هیچ گاز آلوده کننده نمی‌شود.

و يُمْكِنُ إِنتَاجُ النَّفْطِ مِنْهَا .

و تولید نفت از آن امکان دارد.

و يَوْجَدُ نَوْعٌ مِنْهَا فِي مَدِينَةِ نِيكْشَهْرٍ مِحَافَظَةِ سِيِسْتَانِ وَ بَلُوشِسْتَانِ بِاسْمِ شَجَرَةِ مِدَادِ .

و گونه ای (یک نوع) از آن در شهر نیکشهر در استان سیستان و بلوچستان به نام درخت مداد وجود دارد.

شَجَرَةُ الْبَلُوطِ هِيَ مِنَ الْأَشْجَارِ الْمَعْمَرَةِ وَ قَدْ تَبَلَّغَ مِنَ الْعُمُرِ أَلْفِي سَنَةٍ .

درخت بلوط از درختان کهنسال است و گاهی عمر آن به دو هزار سال می‌رسد .

تُوجَدُ غَابَاتٌ جَمِيلَةٌ مِنْهَا فِي مُحَافَظَتِي إِيلَامِ وَ لُرِسْتَانِ .

جنگل‌های زیبایی از آن در دو استان ایلام و لرستان وجود دارد.

يَذْفِنُ السَّنَجَابُ بَعْضَ جَوَازِتِ الْبَلُوطِ السَّلِيمَةِ تَحْتَ التُّرَابِ ، وَ قَدْ يَنْسَى مَكَانَهَا.

سنجاب برخی از دانه‌های سالم بلوط را زیر خاک دفن می‌کند و گاهی جایش را فراموش می‌کند.

وَ فِي السَّنَةِ الْقَادِمَةِ تَنْمُو تِلْكَ الْجَوْزَةُ وَ تُصِيرُ شَجَرَةً.

و در سال آینده ، آن دانه می‌روید و درختی می‌شود.

قَالَ الْإِمَامُ الصَّادِقُ (ع) : إِمَامٌ صَادِقٌ (ع) فرمودند :

إِزْرَعُوا وَ اغْرِسُوا ، ... وَ اللَّهُ مَا عَمِلَ النَّاسُ عَمَلًا أَحَلَّ وَ لَا أُطِيبَ مِنْهُ .

کشاورزی کنید و نهال بکارید ، ... به خدا سوگند ، مردم کاری را حلال‌تر و خوب‌تر از آن انجام نداده‌اند.

بازگشت به فهرست

" الْمُعْجَم " ص ۳۲

أَحَلَّ : حلال تر، حلال ترین	حَنَقَ : خفه کرد (مضارع : يَحْنُقُ)	مَزَارَع : کشاورز = زارع ، قَلَّاح
اشْتَعَالَ : برافروخته شدن ، سوختن (اشْتَعَلَ ، يَشْتَعَلُ)	خَانَقَ : خفه کننده	مَعْمَر : کهن سال
أَطْيَبَ : خوب تر، خوب ترین = أَحْسَنَ ، أَفْضَلَ	سَبَبَ : سبب شد (مضارع: يَسَبِّبُ)	مَلُوثٌ : آلوده کننده
أَغْصَانٌ ، عُصُونٌ : شاخه ها « مفرد : عُصْنٌ »	سِيَّاح : پرچین	مُوصَافَات : ویژگی ها
الْتِفَافٌ : در هم پیچیدن (اِلْتَفَفَ ، يَلْتَفِفُ)	غَاز : گاز	نَبَتٌ : روید (مضارع : يَنْبُتُ)
بَذَرٌ : دانه ها « مفرد : بَذْرٌ »	فَالَقَ : شکافنده	نَصَفٌ : توصیف می کنیم
جَذَعٌ : تنه « جمع : جُذُوعٌ »	لُبٌ : مغز میوه	نَوَى : هسته
جَزَرٌ : جزیره ها « مفرد : جَزِيرَةٌ »	مَحَاصِلٌ : محصولات	
جَوَزةٌ : دانه گردو ، بلوط و مانند آن	الْمَحِيطُ الْهَادِيٌّ : اقیانوس آرام	



بازگشت به فهرست

" حَوْلَ النَّصِّ " ص ۳۲



۱. ضَعُ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

۱. تَبْدَأُ الشَّجَرَةُ الْخَانِقَةَ حَيَاتُهَا بِالِاتِّفَافِ حَوْلَ جَذَعِ شَجَرَةٍ وَ عُصُونِهَا.

ترجمه: درخت خفه کننده ، زندگی خود را با پیچیدن به دور تنه یک درخت و شاخه هایش شروع می کند.

۲. لَا يَسَبُّ اشْتِعَالَ زُيُوتِ شَجَرَةِ النَّفْطِ خُرُوجَ أَيِّ غَازَاتٍ مُلَوِّثَةٍ.

ترجمه: آتش گرفتن روغن های درخت نفت ، سبب خروج هیچ نوع گاز آلوده کننده ای نمی شود.

۳. تَوَجَّدَ غَابَاتٌ جَمِيلَةٌ مِنْ أَشْجَارِ الْبَلُوطِ فِي مُحَافَظَتِي إِيلَامَ وَ لُرِسْتَانِ.

ترجمه: جنگل های زیبایی از درختان بلوط در دو استان ایلام و لرستان یافت می شود .

۴. قَدْ يَبْلُغُ ارْتِفَاعُ بَعْضِ أَشْجَارِ السُّكُويَا أَكْثَرَ مِنْ مِئَةِ مَتْرٍ.

ترجمه: گاهی ارتفاع برخی از درختان سکویا به بیشتر از صد متر می رسد.

۵. تَحْمِلُ شَجَرَةُ الْخُبْزِ أَثْمَارًا فِي نِهَایَةِ أَغْصَانِهَا كَالْخُبْزِ.

ترجمه: درخت نان در انتهای شاخه هایش میوه هایی مانند نان حمل می کند. (دربر دارد)

۶. تَنْمُو أَثْمَارُ الْعِنَبِ الْبِرَازِيلِيِّ عَلَى جَذَعِ شَجَرَتِهِ.

ترجمه: میوه های انگور برزیلی بر تنه درختش می روید. (رشد می کند)



" إَعْلَمُوا " ص ۳۳



بازگشت به فهرست

المَعْرِفَةُ وَ النِّكَرَةُ

* اسم معرفه اسمی است که نزد گوینده و شنونده ، یا خواننده شناخته شده است ؛ اما اسم نکره ، ناشناخته است. مهم ترین نشانه اسم معرفه داشتن " ال " است ؛ مثال :

جاءَ مُدَرِّسٌ : معلّمی آمد.

جاءَ المُدَرِّسُ : معلّم آمد.

وَجَدْتُ قَلَمًا : قلمی را یافتم.

وَجَدْتُ الْقَلَمَ : قلم را یافتم.

* معمولاً هرگاه اسمی به صورت نکره بیاید و همان اسم دوباره همراه " ال " تکرار شود ، می توان الف و لامش را « این » یا « آن » ترجمه کرد ؛ مثال :

رَأَيْتُ أَفْرَاسًا . كَانَتْ الْأَفْرَاسُ جَنْبَ صَاحِبِهَا : اسب هایی را دیدم . آن اسب ها کنار صاحبشان بودند.

کلمه افراساً « نکره » است. اسم نکره نزد گوینده ، شنونده ، یا خواننده ناشناخته است ؛ اسم « نکره » معمولاً تنوین (ـَ ، ـِ ، ـُ) دارد ؛ مثال : رَجُلًا ، رَجُلٍ و رَجُلٌ .

در زبان فارسی اسم نکره به سه صورت می آید :

مردی آمد . / یک مرد آمد . / یک مردی آمد.

معادل عربی هر سه جمله بالا می شود : جاءَ رَجُلٌ .

* اسم خاص (یعنی نام مخصوص کسی یا جایی) در زبان عربی « اسم عَلم » نامیده می شود و معرفه به شمار می رود ؛ مانند : هاشم ، مریم ، بغداد ، بیروت و

اسم عَلم ، مانند : عَبَّاسٌ ، كَاطِمٌ و حُسَيْنٌ تنوین دارد ، ولی نکره نیست ؛ بلکه معرفه است.

سال گذشته با مبتدا و خبر آشنا شدید. گاهی خبر تنوین دارد ؛ مثال :

أَلْعِلْمُ كَنْزٌ : دانش گنج است.

قَرِيقُنَا فَائِزٌ : تیم ما برنده است.

در دو مثال بالا کنز و فائز تنوین دارد ؛ اما نیازی به نکره معنا کردن نیست.



" إِخْتَبَرْ نَفْسَكَ " ص ۳۴



بازگشت به فهرست

إِخْتَبَرْ نَفْسَكَ : تَرَجِّمْ مَا يَلِي حَسَبَ قَوَاعِدِ الْمَعْرِفَةِ وَ النِّكَرَةِ.

۱. ﴿ اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ ﴾ نور : ۳۵

الدَّرِيّ : درخشان

شرح مفردات : الْمِشْكَاةُ : چراغدان

ترجمه : خداوند نور آسمان ها و زمین است ؛ مَثَلِ نورش مانند چراغدانی است که در آن چراغی است ، آن چراغ در (داخل) شیشه ای است که آن شیشه گویی ستاره ای درخشان است.

۲. ﴿ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ رَسُولًا فَعَصَىٰ فِرْعَوْنُ الرَّسُولَ ... ﴾ ۱۵ و ۱۶

ترجمه: رسولی به سوی فرعون فرستادیم پس فرعون از آن رسول نافرمانی کرد ...

۳. عَالِمٌ يَنْتَفَعُ بِعِلْمِهِ ، خَيْرٌ مِنْ أَلْفٍ عَابِدٍ . رسول الله (ص)

ترجمه: دانشمندی که از علم او بهره‌مند می‌شوند (بهره برده می‌شود) ، بهتر از هزار عبادت کننده است.



بازگشت به فهرست

حوار ص ۳۵



✳ در گروه های دو نفره شبیه گفت وگوی زیر را در کلاس اجرا کنید.

في المَلْعَبِ الرِّيَاضِيّ

در ورزشگاه ورزشی

إسماعيل	إبراهيم
تَعَالَ نَذْهَبْ إِلَى الْمَلْعَبِ : بيا به ورزشگاه برويم.	لَمُشَاهَدَةِ أَيِّ مُبَارَاةٍ ؟ برای دیدن چه مسابقه‌ای ؟
لَمُشَاهَدَةِ مُبَارَاةِ كُرَةِ الْقَدَمِ : برای دیدن مسابقه فوتبال .	بَيْنَ مَنْ هَذِهِ الْمُبَارَاةُ ؟ این مسابقه بین چه کسانی (تیم هایی) هست ؟
بَيْنَ فَرِيقِ الصَّدَاقَةِ وَ السَّعَادَةِ : بین تیم صداقت و سعادت.	الْفَرِيقَانِ تَعَادَلَا قَبْلَ أُسْبُوعَيْنِ : این دو تیم دو هفته قبل مساوی شدند.
أَتَذَكَّرُ ذَلِكَ : آن را به یاد می‌آورم.	أَيُّ الْفَرِيقَيْنِ أَقْوَى ؟ کدام یک از دو تیم قوی‌تر هستند ؟
كِلَاهُمَا قَوِيَّانِ . عَلَيْنَا بِالذَّهَابِ إِلَى الْمَلْعَبِ قَبْلَ أَنْ يَمْتَلِئَ مِنَ الْمُتَفَرِّجِينَ : هردو قوی هستند. باید به ورزشگاه برويم . قبل از اینکه از تماشاچی پر شود.	عَلَى عَيْنِي * . تَعَالَ نَذْهَبْ : به روی چشم. بيا برويم.
في المَلْعَبِ : در ورزشگاه	
أُنْظُرْ؛ جَاءَ أَحَدُ مُهَاجِمِي فَرِيقِ الصَّدَاقَةِ سَيَسْجُلُ هَدَفًا : نگاه کن ؛ یکی از مهاجمان تیم صداقت آمد. یک گل خواهد زد.	هُوَ هَجَمَ عَلَى مَرْمَى فَرِيقِ السَّعَادَةِ . هَدَفَ ، هَدَفَ ! او به (سمت) دروازه تیم سعادت حمله کرد. گُل ، گُل !
لَكِنَّ الْحَكَمَ مَا قَبْلَ الْهَدَفِ ؛ لِمَاذَا ؟! أَمَا دَاوِرْ گُلْ رَا قَبُولْ نَكِرْد (نپذیرفت) ؛ چَرَا ؟!	رَبَّمَا بِسَبَبِ تَسَلُّلٍ : شاید به خاطر آفساید.
أُنْظُرْ ، هَجَمَةٌ قَوِيَّةٌ مِنْ جَانِبِ لَاعِبِ فَرِيقِ الصَّدَاقَةِ : نگاه کن ، حمله‌ای قدرتمند از جانب بازیکن تیم صداقت.	يُعْجِبُنِي جِدًّا حَارِسُ مَرْمَى فَرِيقِ السَّعَادَةِ ! دروازه‌بان تیم سعادت مرا خیلی شگفت زده می کند
مَنْ يَذْهَبُ إِلَى النِّهَائِيّ ؟ چه کسی به [دور] نهایی می‌رود ؟	مَنْ يَسْجُلُ هَدَفًا يَذْهَبُ إِلَى النِّهَائِيّ : هر کس گلی ثبت کند (بزند) به دور (مرحله) نهایی می‌رود.
الْحَكَمُ يَصِفِرُ : داور سوت می‌زند...	لَقَدْ تَعَادَلَا مَرَّةً ثَانِيَةً بِلَا هَدَفٍ : بار دوم بدون گل مساوی شدند.



جزوه راهنمای درسی عربی زبان قرآن (۳) پایه "دوازدهم فنی و حرفه ای و کاردانش" دروس ۱-۳ محمد باقر بهروزی

۱. الْمُبَارَاة : مسابقه ۲. تَعَادَل : برابر شد ۳. أَتَدَّكَّرُ : به یاد می آورم ۴. كَلَا : هر دو
 ۵. أَنْ يَمْتَلِئَ : که پر شود ۶. اَلْمُتَفَرِّجُ : قماشچی ۷. سَيَسْجُلُ : ثبت خواهد کرد ۸. اَلْهَدَفُ : گل
 ۹. اَلْمَرْمَى : دروازه ۱۰. اَلْحَكَمُ : داور ۱۱. اَلتَّسَلُّلُ : آفساید
 ۱۲. يُعْجِبُنِي : مرا در شگفت می آورد ، خوشم می آید (اُعْجَبَ ، يُعْجَبُ) ۱۳. حَارِسُ الْمَرْمَى : دروازه بان



" تمرین ۱ " ص ۳۶ بازگشت به فهرست



التمرین الأول : أي كلمة من كلمات معجم الدرس تناسب التوضيحات التالية؟

۱. بحر يعادل ثلث الأرض تقريباً .

ترجمه : دریایی که تقریباً معادل یک سوم زمین است .

پاسخ : اَلْمُحِيطُ الْهَادِئُ : اقیانوس آرام

۲. اَلتَّجَمُّعُ وَ الدَّوْرَانُ حَوْلَ شَيْءٍ .

ترجمه : جمع شدن و چرخیدن دور چیزی .

پاسخ : اَلْاِلْتِفَافُ : درهم پیچیدن

۳. الَّذِي يُعْطِيهِ اللهُ عُمْراً طَوِيلاً .

ترجمه : کسی که خدا به او عمر طولانی می دهد .

پاسخ : اَلْمَعْمَرُ : کهنسال

۴. الَّذِي يَعْمَلُ فِي الْمَرْعَةِ .

ترجمه : کسی که در مزرعه کار می کند .

پاسخ : اَلْمَزَارِعُ : کشاورز

۵. صِفَاتُ أَحَدٍ أَوْ شَيْءٍ .

ترجمه : ویژگی های کسی یا چیزی

پاسخ : اَلْمُوَاصِفَاتُ : ویژگی ها



" تمرین ۲ " ص ۳۶ بازگشت به فهرست



التمرین الثاني : تَرْجِمِ الْأَحَادِيثَ النَّبَوِيَّةَ ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ .

۱. ما مِنْ مُسْلِمٍ يَزْرَعُ زَرْعاً أَوْ يَغْرِسُ غَرْساً فَيَأْكُلُ مِنْهُ طَيْرٌ أَوْ إِنْسَانٌ أَوْ بَهِيمَةٌ إِلَّا كَانَتْ لَهُ بِهِ صَدَقَةٌ.

شرح مفردات: ما مِنْ: هیچ ... نیست غَرْس: نهال

ترجمه: هیچ مسلمانی نیست که زراعتی کشت کند یا نهالی بکارد، پس پرنده‌ای یا انسانی یا چارپایی از آن بخورد جز اینکه برای او به خاطر آن صدقه‌ای باشد.

پاسخ: اَلْجَارُ وَ الْمَجْرور: مِنْ مُسْلِمٍ، مِنْهُ، لَهُ، بِهِ اِسْمُ الْفَاعِلِ: مُسْلِمٍ

۲. ما مِنْ رَجُلٍ يَغْرِسُ غَرْساً إِلَّا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ قَدْرَ مَا يَخْرُجُ مِنْ مَرِّ ذَلِكَ الْغَرْسِ.

ترجمه: هیچ مردی (کسی) نیست که نهالی بکارد؛ مگر این که خداوند به اندازه آنچه که از میوه آن درخت خارج می‌شود، برای او پاداش بنویسد.

پاسخ: اَلْفِعْلُ الْمَاضِي: كَتَبَ اَلْمَفْعُول: غَرْساً، قَدْرَ

۳. سَأَلَ النَّبِيُّ (ص): أَيُّ الْمَالِ خَيْرٌ؟ قَالَ: زَرْعٌ زَرَعَهُ صَاحِبُهُ.

ترجمه: از پیامبر (ص) سوال شد: کدام مال بهتر است؟ فرمود: زراعتی که صاحبش آن را بکارد.

پاسخ: اَلْفِعْلُ الْمَجْهُول: سَأَلَ اَلْفَاعِل: صَاحِبُ



بازگشت به فهرست

"تمرین ۳" ص ۳۷



اَلتَّمَرِينُ الثَّالِثُ: أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ حَسَبَ الصُّورِ.

(۱) بِمَ يَذْهَبُ الطَّلَابُ إِلَى الْمَدْرَسَةِ؟

ترجمه: دانش‌آموزان با چه چیزی به مدرسه می‌روند؟

پاسخ کوتاه: بِحَافِلَةِ الْمَدْرَسَةِ: با اتوبوس مدرسه

پاسخ کامل: يَذْهَبُ الطَّلَابُ إِلَى الْمَدْرَسَةِ بِحَافِلَةٍ: دانش‌آموزان با اتوبوس به مدرسه می‌روند.

(۲) فِي أَيِّ بِلَادٍ تَقَعُ هَذِهِ الْأَهْرَامُ؟

ترجمه: این اهرام در کدام کشور قرار دارد؟

پاسخ کوتاه: فِي مِصْرَ: در مصر.

پاسخ کامل: تَقَعُ هَذِهِ الْأَهْرَامُ فِي مِصْرَ: این اهرام در مصر قرار دارد!

(۳) كَيْفَ الْجَوُّ فِي أَرْدَبِيلَ فِي الشِّتَاءِ؟

ترجمه: هوا در زمستان در اردبیل چگونه است؟

پاسخ کوتاه: بَارِدٌ: سرد

پاسخ کامل: الْجَوُّ فِي أَرْدَبِيلَ فِي الشِّتَاءِ بَارِدٌ: هوا در زمستان در اردبیل سرد است.

(۴) مَنْ هَذَا التَّمَثَالُ؟

ترجمه: این مجسمه از آن کیست؟

پاسخ کوتاه: لِسَيَّوِيَه: از سیبویه

پاسخ کامل: هَذَا التَّمَثَالُ لِسَيَّوِيَه: این مجسمه مال سیبویه است.

(۵) هل تُشَاهِدُ وَجْهًا فِي الصُّورَةِ؟

ترجمه: آیا چهره‌ای در عکس می‌بینی؟

پاسخ کوتاه: نَعَمْ: بله

پاسخ کامل: نَعَمْ. أَشَاهِدُ وَجْهًا فِي الصُّورَةِ: بله، چهره‌ای را در عکس می‌بینم.

(۶) ماذا تُشَاهِدُ فَوْقَ النَّهْرِ؟

ترجمه: بالای رودخانه چه می‌بینی؟

پاسخ کوتاه: بَيْتًا (خانه‌ای)؛ جِسْرًا (پلی)

پاسخ کامل: أَشَاهِدُ فَوْقَ النَّهْرِ بَيْتًا (جِسْرًا): بالای رودخانه خانه‌ای (پلی) می‌بینم.



بازگشت به فهرست

"تمرین ۴" ص ۳۸



الْتَّمَرِينَ الرَّابِعُ: أَلِف: عَيْنِ التَّرْجَمَةِ الصَّحِيحَةِ حَسَبَ قَوَاعِدِ الْمَعْرِفَةِ وَ النَّكْرَةِ.

۱. سَمِعْتُ صَوْتًا عَجِيبًا.

صدای عجیبی را شنیدم. ☒

صدای عجیب را شنیدم. ☐

۲. وَصَلْتُ إِلَى الْقَرْيَةِ.

به روستایی رسیدم. ☐

به روستا رسیدم. ☒

۳. نَظَرْتُ إِلَى الْمَاضِي

نگاهی به گذشته ☒

نگاه به گذشته ☐

۴. أَلْعِبَادُ الصَّالِحُونَ

بندگانِ درستکار ☐

بندگانِ درستکار ☒

۵. السَّوَارُ الْعَتِيقُ

دستبندِ کهنه ☒

دستبندی کهنه ☐

۶. التَّارِيخُ الذَّهَبِيُّ

تاریخ زرين ☒

تاریخی زرين ☐

ب: تَرْجِمِ الْجُمْلَةَ التَّالِيَةَ حَسَبَ قَوَاعِدِ الْمَعْرِفَةِ وَ النِّكَرَةِ ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَعْرِفَةَ وَ النِّكَرَةَ فِي مَا أُشِيرَ إِلَيْهِ بِخَطٍّ. أَشِيرَ : اشاره شد

۱. سَجَلَتْ مُنْظَمَةُ الْيُونِسْكَو مَسْجِدَ الْإِمَامِ وَ قُبَّةَ قَابُوسٍ فِي قَائِمَةِ التَّوَاتُ الْعَالَمِي. قَائِمَةُ التَّوَاتُ الْعَالَمِي : لیست میراث جهانی

ترجمه : سازمان یونسکو مسجد امام و گنبد قابوس را در لیست میراث جهانی ثبت کرد.

پاسخ : قابوس : معرفه التَّوَاتُ : معرفه

۲. قَبْرُ كُورْشٍ يَجْذِبُ سَيَّاحًا مِنْ دُولِ الْعَالَمِ.

ترجمه : قبر کوروش گردشگرانی را از دولت‌های جهان جذب می‌کند.

پاسخ : سَيَّاحًا : نکره

۳. حَدِيقَةُ شَاهِزَادَةِ قُرْبِ كِرْمَانِ جَنَّةٌ فِي الصَّحْرَاءِ.

ترجمه : باغ شاهزاده نزدیک کرمان ، بهشتی در بیابان است.

پاسخ : جَنَّةٌ : نکره

۴. مَعْبَدٌ كُرْدُكَلَا فِي مُحَافَظَةِ مازَنْدَرَانِ أَحَدُ الْأَثَارِ الْقَدِيمَةِ.

ترجمه : عبادتگاه کُردکُلا در استان مازندران یکی از آثار قدیمی است.

پاسخ : مازَنْدَرَانِ : معرفه



" تمرین ۵ " ص ۴۰ بازگشت به فهرست



الْتَّمَرِينُ الْخَامِسُ : عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الصَّحِيحَةَ حَسَبَ الْفِعْلِ الْمَاضِي.

اسْمُ الْفَاعِلِ	الْمَصْدَرُ	فِعْلُ الْأَمْرِ	الْفِعْلُ الْمَضَارِعُ	الْفِعْلُ الْمَاضِي
☒ اَلْمُوَافِقُ	☐ اَلتَّوْفِيقُ	☒ وَاَفَقُ	☒ يُوَافِقُ	وَأَفَقَ
☐ اَلْمَوْفُوقُ	☒ اَلْمُوَافَقَةُ	☐ وَفَّقُ	☐ يُوَفِّقُ	
☐ اَلْمُقَرَّبُ	☒ اَلتَّقَرُّبُ	☐ قَرَّبُ	☐ يُقَرِّبُ	تَقَرَّبَ
☒ اَلْمُتَقَرَّبُ	☐ اَلتَّقْرِيبُ	☒ تَقَرَّبُ	☒ يَتَقَرَّبُ	
☒ اَلْمُتَعَارِفُ	☐ اَلْمُعَارَفَةُ	☒ تَعَارَفُ	☐ يَتَعَرَّفُ	تَعَارَفَ
☐ اَلْمَعْرِفُ	☒ اَلتَّعَارُفُ	☐ اَعْرِفُ	☒ يَتَعَارَفُ	
☒ اَلْمُشْتَغَلُ	☐ اَللَّاشْغَالُ	☒ اشْتَغَلُ	☐ يَنْشَغُلُ	اِسْتَشْغَلَ
☐ اَلْمُنْشَغَلُ	☒ اَللَّاشْتَغَالُ	☐ اِنْشَغَلُ	☒ يَشْتَغَلُ	
☐ اَلْمُتَفَتِّحُ	☐ اَللَّاسْتِفْتَاَحُ	☒ اِنْفَتَحَ	☐ يَفْتَتِحُ	اِنْفَتَحَ

☒ يَنْفَتَحُ	☒ يَنْفَتَحُ	☐ تَفْتَحُ	☒ الْأُنْفَتَاحُ	☒ الْمُنْفَتَحُ
☒ يَسْتَرْجِعُ	☒ يَسْتَرْجِعُ	☒ اسْتَرْجِعُ	☐ الْأَرْتِجَاعُ	☒ الْمَسْتَرْجِعُ
☐ يَرْتَجِعُ	☐ يَرْتَجِعُ	☐ رَاجِعٌ	☒ الْأَسْتَرْجَاعُ	☐ الْمَرْجِعُ
☐ يُنْزِلُ	☐ يُنْزِلُ	☐ انْزِلْ	☐ الْانْزُولُ	☒ الْمُنْزَلُ
☒ يَنْزِلُ	☒ يَنْزِلُ	☒ نَزَلَ	☒ التَّنْزِيلُ	☐ الْانْزَالُ
☒ يُكْرِمُ	☒ يُكْرِمُ	☒ أَكْرِمُ	☒ الْإِكْرَامُ	☐ الْأَكْرَمُ
☐ يَكْرِمُ	☐ يَكْرِمُ	☐ كَرِمٌ	☐ التَّكْرِيمُ	☒ الْمَكْرِمُ



"قرین ۶" ص ۴۱

بازگشت به فهرست



۱- التَّمْرِينُ السَّادِسُ: ضَعْ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً.

۱- يُشَجِّعُ ال فَرِيقَهُمْ فِي الْمَلْعَبِ. مُوَاصِفَاتٌ : وِیژگی ها ☐ مَتَاجِرٌ : مِغَازِه ها ☐ مُتَفَرِّجُونَ : تَماشَچیان ☒

ترجمه : تماشاگران تیم شان را در ورزشگاه تشویق می کنند.

پاسخ : مُتَفَرِّجُونَ : تماشاچیان ، تماشاگران

۲- شُرْطِي الْمُرُورِ حَتَّى تَتَوَقَّفَ السَّيَّارَاتُ. يَصْفِرُ : سَوْت می زند ☒ يَتَعَادَلُ : بَرَابَر می شود ☐ يَمْتَلِي : پَر می شود ☐

ترجمه : پلیس راهنمایی و رانندگی سوت می زند تا خودروها متوقف شوند.

پاسخ : يَصْفِرُ : سوت می زند

۳- وَضَعْتُ الْمِصْبَاحَ فِي الْبَيْتِ. تَخْفِيزٌ : تَخْفِيف ☐ مِفْتَاحٌ : کَلِيد ☐ مِشْكَاةٌ : چَرَاغْدَان ☒

ترجمه : چراغ را در چراغدان خانه قرار دادم .

پاسخ : مِشْكَاةٌ : چراغدان

۴- جَدِي لَا بَعْضَ ذِكْرِيَاةٍ. يَغْرِسُ : می کارد ☐ يَتَذَكَّرُ : بَه یَاد می آورد ☒ يَنْبُتُ : می رَویَد ☐

ترجمه : پدربزرگم برخی خاطراتش را به یاد نمی آورد.

پاسخ : يَتَذَكَّرُ : به یاد می آورد

۵- شَارَكَ زُمْلَانَا فِي عِلْمِيَّةٍ. مُبَارَاةٌ : مَسَابَقَه ☒ اِتِّفَافٌ : دَرَهَم پِیچیدن ☐ بُذُورٌ : دَانِه ها ☐

ترجمه : همکلاسی هایمان در مسابقه ای علمی شرکت کردند .

پاسخ : مُبَارَاةٌ : مسابقه

۶- سَجَلٌ لِاعْبَانَا رَائِعًا. جِدْعًا : تَنَه ☐ هَدَفًا : گِل ☒ نَوْعِيَّةٌ : نَوَع ، جَنَس ☐

ترجمه : بازیکنی ما گلی جالب (زیبا) ثبت کرد.

پاسخ : هَدَفًا : گِل



بازگشت به فهرست

" تمرین ۷ " ص ۴۱



الَّتَمْرِينُ السَّابِعُ : اُكْتُبْ جَمْعَ هَذِهِ الْأَسْمَاءِ .

تاریخ : تَوَارِيخ (تاریخ ها)

أَثَر : آثار (نشانه ها)

سَائِح : سَيَّاح (گردشگران)

دَوْلَة : دَوْل (کشورها)

عَبَد : عباد (بندگان)

قَرْيَة : قُرى (روستاها)

رَسُول : رُسُل (پیامبران)

مَلْعَب : مَلَاعِب (ورزشگاه ها)

بَهِيْمَة : بَهَائِم (چارپایان)

شَجَر : أَشْجَار (درختان)

غُصْن : غُصُون ، أَغْصَان (شاخه ها)

سِرْوَال : سَراويل (شلوارها)

قَبْر : قُبُور (قبرها)

حَيّ : أَحْيَاء (زنده گان)

زَيْت : زُيُوت (روغن ها)



بازگشت به درس ۳

پایان درس سوم

بازگشت به فهرست



توجه : استفاده از این جزوه برای دانش آموزان و دبیران رایگان هست با ذکر صلوات بر محمد و آل محمد (ص)

"هرگونه چاپ ، تکثیر ، نسخه و نکته برداری برای کسب فروش و درآمد مادی و ... بدون اجازه مؤلف شرعاً حرام است "

" محمد باقر بهروزی " (Mohba_behruzi@)

۰۹۳۶۸۴۰۶۶۳۳

منتظر ارسال پیشنهادات و انتقادات اساتید ارجمند هستم .

ویرایش دوم : مهر ماه ۹۸



توشه ای برای موفقیت

ما را در کانال عربی دهم و یازدهم به آدرس های زیر دنبال کنید ۹

<https://t.me/Arabi10beh>

<https://t.me/Arabi11beh>



بازگشت به فهرست

التماس دعا

برو به درس سه

برو به درس دو

برو به درس یک